

## در همبستگی جهانی با خیزش انقلابی زنانه در ایران برای یک برابری سوسیالیستی

### در باره قطعنامه مصوب دفتر سیاسی

سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، جمال کمانگر، عبه دارابی، همایون گدازگر

### آینده را ما می توانیم بسازیم، وکیل نمی خواهیم!

صفحه ۱۱

سعید یگانه

### پژاک و «پیماننامه مدینه»

### بازی در زمین جمهوری اسلامی

صفحه ۱۱

همایون گدازگر

### تاریخ شکست نخوردگان

### چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷

صفحه ۱۷

منصور حکمت

### شرط گذاری شوونیستی "تمامیت ارضی" و زبان بسته

### ابراهیم علیزاده

صفحه ۲

رحمان حسین زاده

### ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

۶۸۴

# حکمتیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۴ بهمن ۱۴۰۱ - ۳ فوریه ۲۰۲۳

### زلزله خوی

### وقاحت حکومتی ها

زمین لرزه شدید ۵.۹ ریشتری شبیه شب خوی و هفت پس لرزه تاکنونی، هزاران خانوار این شهرستان را آواره کرده است. آخرین آمار نهادهای حکومتی از ۳ فوتی و ۹۷۳ مصدوم سخن میگوید. رئیس بنیاد مسکن اعلام کرده است: ۹ هزار و ۲۵۰ خانه در جریان زلزله خوی آسیب دیدند. بیش از هزار و ۷۰۰ خانه تخریب شدند و بیش از هفت هزار خانه خسارت دیدند. این رقم بیش از ده درصد مجموعه خانوارهای خوی و اطراف را شامل میشود که طی زلزله در سرمای شدید سرپناه خود را از دست دادند و بی خانمان شدند. و امروز جمعه رئیس جمعیت هلال اعلام کرد که "کار نجات مصدومان پایان یافت".

در اینروزها رئیسی "دستور بازسازی سریع" داد، آخوندها از تریبون ها با اراجیف گفتن در باره "بلایای طبیعی" روی زخم مردم نمک پاشیدند، گفتند منتظر دولت نباشید و خودتان به هم کمک کنید، همزمان مانع ارسال کمک های مردمی "بی مجوز" شدند. با همه دستورات این و آن نهاد و هر کس که مقامی دارد، اعلام آماده باش های نهادهای ذیربط، هنوز مردم بیخانمان شده در وسط زمستان و سرمای کشنده چادر و وسیله گرمایشی هم ندارند و اعتراض شان جلوی فرمانداری را با ماشین آب پاش و باتوم جواب صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## زلزله خوی

### وقاحت حکومتی ها ...

دادند. فرماندار بی عرضه و مزدور عملاً جوابی به ساده ترین نیازهای زلزله زدگان نمیدهد و به تهدید مردم بی خانمان رو آورد. کانالهای کمک های مستقل مردمی را می بندند و کمکهای دریافتی از جانب مردم را مصادره و بالا می کشند. اینها اصرار دارند مردم را شکنجه و آزار دهند. مثنی سادیست اسلامی اند که از رنج و درد و فقر مردم بنحو عجیبی لذت می برند.

ما در اوضاع انقلابی کنونی موظفیم و میتوانیم با همبستگی گسترده هر درد بزرگی را قابل تحمل کنیم. ما بویژه نیاز داریم از رنج ها و زخمهای مشترکمان پلی به همدردی و نوعدوستی مان بزنیم. اینرا نیاز داریم تا بداد مصدومان و آوارگان بشتابیم، دستجمعی درد این مصیبت را کاهش دهیم، از همبستگی و اراده قاطع مان برای تعیین تکلیف با این جنایتکاران و قیح به بهترین شکل بهره جونیم.

درود بر انسانهای شریف و نوعدوستی که اینروزها همه جا در تلاش برای رساندن کمکی به زلزله زدگان خوی هستند و با اشتیاق در کار همیاری و همدردی انسانی اند. ما گسترش این تلاشها و تشکیل نهادهای همیاری را تشویق می کنیم. در کنار همیاری، ما اعمال فشار و اعتراض به حکومت را اهرم قویتری برای وادار کردن دولت به توقف دزدی ها و شانه بالا انداختن در مقابل تامین مسکن موقت و مناسب زمستان برای زلزله زدگان میدانیم. نباید اجازه دهیم این هزاران خانوار بیخانمان شده را در زمستان سرد بحال خود رها کنند. باید از خشم و اتحاد ما بترسند.

سردبیر.

۱۴ بهمن ۱۴۰۱

## شرط گذاری شوونیستی "تمامیت ارضی" و

### زبان بسته ابراهیم علیزاده

رحمان حسین زاده

در میزگرد تلویزیون "ایران انترنشنال" حول مضحکه "وکالت میدهم به رضا پهلوی" فرد مشروطه طلب حاضر در میزگرد با "خودخواهی" بیمایه به کمک سیما ثابت گرداننده برنامه، بی ملاحظه و صریح موقعیت "ویژه و شروط شاهزاده" از جمله شرط ناسیونال شوونیستی "تمامیت ارضی" را مداوماً به میان میکشیدند. ابراهیم علیزاده را تحت فشار قبول و بیعت با آن شروط قرار داده بودند. در این مجادله ابراهیم علیزاده زبان بسته و سپر انداخته و سردرگم حرف جدی برای گفتن نداشت و به توجیحات بیربط به اصل موضوع پرداخت. این موضع دبیر اول جریانی است که هنوز اسم سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) را یدک میکشد. علیزاده اگر به مواضع انقلابی شناخته شده حزب کمونیست ایران و سازمان کردستانش حداقل در قبال مبحث "تمامیت ارضی" متعهد میبود، میتوانست این چنین سردرگم نباشد. علت اما فراموشکاری نسبت به مواضع جاافتاده قبلی در سازمانش نیست. این موضع راست روانه علیزاده به روال معمولش منطبق با محاسبه گری کوتاه بینانه برای آینده است. به زعم او شاید اپوزیسیون راست و مشروطه خواه به نان و نوایی برسند، لذا ایشان و سازمان تحت مسئولیتش در آن بساط احتمالی و قدرت گیری بورژوازی لازمست جایی و مکانی داشته و از خوان یغما بی نصیب نماند. طبق این مصلحت گرایی بی پایه لازم ندید، شروط ادعایی و شوونیستی مشروطه طلبان را در سطح حسن شریعتمداری "دبیر کل شورای گذار" حاضر در همان میزگرد را مورد اعتراض قرار دهد.

ژانویه ۲۰۲۳

\*\*\*

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعلامیه حزب حکمتیست بمناسبت روز جهانی زن

## در همبستگی جهانی با خیزش انقلابی زنانه در ایران

### برای یک برابری سوسیالیستی



آزادی کلیه زندانیان سیاسی فرامیخواند. از دانشگاه ها و مراکز آموزشی تا مراکز کار و محلات، از دیوارها تا بیلبوردهای تبلیغاتی و بزرگراه ها، همه جا را با برافراشتن شعارهای انقلابی آزادی زن مزین کنید. مراسم و اجتماعات بمناسبت روز زن برگزار کنید. پوسترهای جانباختگان را علیه فراموشی وسیعاً بازنشر کنید. بر جنایت های غیرقابل بخشش حکومت و محاکمه و مجازات جنایتکاران قویاً تأکید کنید.

سرنگونی حکومت اسلامی و نظام مبتنی بر آپارتاید جنسی شرط لازم آزادی زن در ایران است. تحقق آزادی جامعه و برابری کامل زن و مرد در تمام وجوه زندگی اجتماعی، بدون سرنگونی تمامیت جمهوری اسلامی، بدون سرنگونی نظم مبتنی بر نابرابری و تبعیض و بردگی مزدی، بدون سرنگونی سرمایه داری ممکن نیست. ما پیروزم، در این تردیدی نباید داشت. ما پرچم جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی را در ایران دفن می کنیم. پیروزی در ایران سرآغاز تحولات زیر و رو کننده در خاورمیانه و انزوای تروریسم و سلطه صنعت دین اسلام خواهد بود. طالبان و دولتهای اسلامی و استبدادی در منطقه از امواج انقلابی آزادیخواهانه و آنتی اسلامیستی نخواهند جست.

**برابری بیقید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی!**

**نابود باد حکومت جنایتکاران اسلامی ضد زن!**

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

**حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

۱۲ بهمن ۱۴۰۱ - ۱ فوریه ۲۰۲۳

**به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

**کمک مالی کنید!**

برآمد توده ای و انقلابی زن محور در ایران، خیزشی که با عنوان "اولین انقلاب زنانه" جهان از آن یاد میشود، مهمترین رویداد و سوال در روز جهانی زن امسال است. برای اولین بار در کشورهای اسلام زده، زنان و مردان نسل جدید برای سرنگونی یکی از دژهای قدرتمند ارتجاع ضد زن بپاخواستند، دستجمعی حجاب اسلامی را آتش زدند و به سمبل ها و نمادهای قدرت حاکمیت اسلامی هجوم بردند. جنبشی که ۴۴ سال پیش علیه فرمان حجاب خمینی شعارهای: "نه به حجاب اسلامی" و "حقوق زن نه شرقی است، نه غربی، جهانی است" را سرداد و به خونین ترین شکل سرکوب شد، در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در قامتی بلند بمیدان آمد، منشأ امید و همبستگی داخلی و جهانی شد و بر نقش کلیدی زنان در سرنگونی حکومت های اسلامی تأکید کرد.

برابری طلبی، آنتی اسلامیسیم و رادیکالیسم در تفکر و عمل، یک گرایش قدرتمند خیزش انقلابی زنانه در ایران است. این خصوصیات به سنت سوسیالیستی ۸ مارس تعلق دارد. امروز راه حل سوسیالیستی مسئله زن به راه حل سوسیالیستی نجات جامعه ایران گره خورده است. زنان و مردان جوان که با گلوله سرکوبگران یا تحت شکنجه در زندانها جانباختند، صفی از دهها میلیون انقلابی اند که از اسلام و آخوند این منادیان فقر و تبعیض بیزارند و آمده اند تا به کابوس حکومت اسلامی پایان دهند. هیچ سازشی ممکن نیست، هیچ راه برگشتی وجود ندارد، جمهوری اسلامی باید برود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای آزادی و برابری بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون اجتماعی مبارزه میکند و این مبنای نزدیکی و دوری ما با هر حرکت و جنبشی در باره مسئله زن و در خیزش انقلابی جاری است. سیاست حزب حکمتیست و جنبش آزادی زن در ایران، تقویت روندهای سکولار و برابری طلب و سوسیالیستی و حمایت از مبارزه انقلابی زنان و مردان برای رهائی از سلطه اسلام سیاسی است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست روز زن را به زنان و مردان برابری طلب جهان تبریک میگوید. فراخوان ما به جنبش حقوق زن در کشورهای مختلف اینست که روز ۸ مارس ۲۰۲۳ را با ابتکارات مختلف به روز همبستگی با خیزش انقلابی در ایران و هزاران زن و مرد اسیر در زندانها تبدیل کنیم. ما برای یک برابری سوسیالیستی قرن بیست و یکمی مبارزه می کنیم. این پرچم را همه جا برافرازد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مردم آزادیخواه ایران را در روز جهانی زن به اعتراض عمومی علیه حکومت اسلامی با شعار محوری

**نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!**

## در باره قطعنامه مصوب دفتر سیاسی

سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، جمال کمانگر،

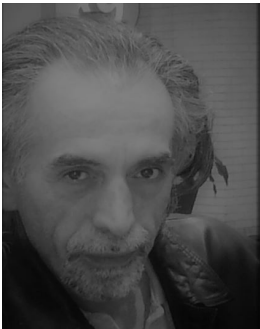
عبه دارابی، همایون گدازگر

**کمونست هفتگی:** نشست اخیر دفتر سیاسی قطعنامه ای تحت عنوان "خیزش انقلابی جاری و نقش محوری طبقه کارگر در جدال برسر قدرت سیاسی" تصویب کرد. حزب حکمتیست راجع به خیزش انقلابی جاری، از کنگره دهم تا امروز سیاست روشن و نظر منسجمی داشته است. قطعنامه اخیر دفتر سیاسی به چه مسائلی میخواید پاسخ بگویند؟

**سیاوش دانشور:** سند "تزهائی در باره اوضاع سیاسی ایران و خط مشی سیاسی و تاکتیکی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست" مصوب کنگره دهم اکتبر ۲۰۲۲، در خطوط عمده چهارچوب نگرشی و سیاسی و تاکتیکی ما را در دوره انقلابی تبیین کرده است و حزب در ماههای اخیر بر این اساس کار کرده است. حزب قبل از شروع رویدادهای ایران و در متن جنگ پرشور زنان در تابستان داغ به استقبال این خیزش رفته بود. در روزهایی که همه از "لغو حجاب اجباری" حرف میزدند، فراخوان و سیاست ما برداشتن دستجمعی حجاب و به آتش کشیدن این سمبل بردگی زن در اسلام بود. جامعه در متن تناقضات و سوالات لاینحل از فقر و فلاکت، زن ستیزی و جنایت و فساد به یک بشکه باروت تبدیل شده بود و نیازمند یک جرقه بود. قتل مهسا آن دریچه بروز انفجار اجتماعی شد و همان روز به حکومت گفتیم که "تاوان سختی پس خواهد داد". اینبار جامعه از مجرای یکی از مهمترین سوالاتش یعنی مسئله زن در تداوم یک مبارزه داغ برسر حجاب اسلامی قطبی شد. و یادمان باشد که این جامعه با داغ و حقارت جمعی قتلهای مکرر و فجیع زنان و کودکان، زیر سایه وحشتناک سربریدن با داس و دشنه اسلام و تعفن مردسالاری نفس می کشید. خیزی بلند و اراده ای قاطع و انقلابی ضروری شده بود، نسل سپیده ها و انقلابیون برابری طلب سروقت پاسخ دادند و آن تصویر واقعی تر جامعه که زیر بار خرافات و سرکوب مدفون شده بود، رخ نشان داد.

دنیایی که تحت سایه شوم جنگ و رقابت دولتهای سرمایه داری و گسترش میلیتاریسم و ریاضت اقتصادی اسیر شده بود، ناگهان با "ایران سورپرایز" مواجه شد. برخلاف همه تصویرسازی های جعلی رسانه ها و مراکز فکری و دانشگاهی و اسپرگرا در مورد "فرهنگ اسلامی مردم" و "جامعه اسلامی"، تصویر جدید و جامعی از ایران مخابره شد. عروج قدرتمند یک جنبش زنانه توده ای رادیکال، با زنان شورشی در صف اول و روی سنگرهای خیابانی، زنان و مردانی که معنای جدیدی به شجاعت و انقلابیگری دادند، جریانی ضد تبعیض و برابری طلب، حرکتی آشکارا ضد اسلامی و ضد آخوند، جنبشی ضد ستم و ستمگر و علیه فقر و فساد و استبداد، جنبشی غیر ملی و غیر قومی برخاسته از نسل جدید با تمایلات قوی مدرنیستی و برابری طلبانه. دنیا بسرعت متوجه این تصویر بزرگ شد، کلاه احترام از سر برداشت و به حمایتش آمد. آن تصویر واقعی جامعه که حجاب سیاه اختناق بطور عادی مانع دیدن آن بوده است و رسانه ها و روشنفکران طبقه حاکم

همواره تصویری یک بعدی و وارونه از واقعیات پیچیده و چند بعدی جامعه ایران بدست داده بودند، آشکار شد. در حقیقت و همانطور که ما طی سالها بارها تاکید کردیم، این واقعیات ریشه دار آن جامعه است که در دوره انقلابی کنونی امکان بروز وسیع یافته است. این همان جامعه است که هیچوقت طوق لعنت اسلام را نپذیرفت. این هنوز شمه ای از آنتی اسلامیسم و برابری طلبی و نوعدوستی این جنبش است.



خیزش انقلابی برای سرنگونی دوره ای از کشمکش حاد با جانباختگان و بازداشتی های وسیع پشت سر گذاشت. برآمد انقلابی تجاری دارد، نقطه قوتها و دستاوردهائی دارد، همینطور با محدودیتهای سازمانگرا و رهبری سراسری متمرکز روبرو است و انتظارات مختلفی از جمله فوریت دخالت سیاسی طبقه کارگر طرح شده است. قطعنامه اخیر دفتر سیاسی یک جمع بندی از خیزش انقلابی برای سرنگونی، تبیین کاراکتر اجتماعی آن، برسمیت شناسی محدودیتهای و تلاش برای رفع آنها، تاکید بر جایگاه مهم دخالت متحزب و سازمان یافته کارگر و کمونیسم برای پیروزی و توجه دادن به سوال مرکزی جدال جاری جنبشهای طبقاتی متخاصم برسر قدرت سیاسی است.

از نظر ما با برآمد شهریور ۱۴۰۱ ایران وارد یکدوره انقلابی شده است. دوره انقلابی و قوانین حاکم بر آن با دوره قبل و بعدش تماما متفاوت است، با سیاست پیشا-انقلابی نمیتوان بمصاف ایندوره رفت. بعبارتی کل جامعه از دولت تا مردم مخالف و نیروهای سیاسی در دوره انقلابی ناچارند سیاستهای متناسب با ایندوران را در دستور بگذارند. خیزش شهریور از سرنگونی فراتر رفت و ضرورت تغییرات انقلابی را بجلو راند. فشار رادیکالیسم و انقلابیگری همه نیروهای راست و رسانه های گریزان از انقلاب را وادار کرد که یک شبه "انقلابی" شوند تا روایت و تعبایر وارونه و ناسیونالیستی و محدود خود را از حرکت انقلابی و جنبش واقعی جاری بدست دهند.

"دوره انقلابی" به دوره ای اطلاق می کنیم که جنگ جامعه برای سرنگونی و کنار زدن حکومت آغاز و تا استقرار دولت بعدی که از نظر جامعه دولت مشروع تلقی شود، ادامه خواهد یافت. این یک دوره خطی و کوتاه نیست، افت و خیز دارد، طی آن مقاطع سکون و رکورد و تعرض و تحول محتملند، بسته به سیر اوضاع پرده های مختلف و متضادی میتواند داشته باشد. حزب حکمتیست سیاست و استراتژی ای را دنبال می کند که در کوتاهترین زمان و انسانی ترین و آزادمشانه ترین روش بتوان با سرنگونی جمهوری اسلامی حکومتی انقلابی مستقر کرد که آمل و آرمانهای جنبش و طبقه انقلابی را محقق کند. در دوره انقلابی طبقات اجتماعی و جنبش ها و احزاب سیاسی شان باهم وارد جدال برسر سرنگونی میشوند اما اهداف مختلف و متضادی را دنبال می کنند. حاصل این کشمکش ماهیت و محتوای نظام سیاسی بعدی را تعیین می کند. دوره انقلابی معادل "انقلاب" نیست، تغییرات در بالا و در درون حکومت، آمدن و رفتن دولتها و حکومتهای نظامی، قدرت دوگانه،

## در باره قطعنامه مصوب دفتر سیاسی

سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، جمال کمانگر،

عبه دارابی، همایون گدازگر ...

جنگ، کودتا و ضد کودتا، سرنگونی حکومت، انقلاب، میتوانند در دوره انقلابی رخ دهند. حتی بدون وقوع انقلاب جمهوری اسلامی میتواند زیر فشار بحرانهای لاینحل و تعرض جامعه سرنگون شود و سرنگونی نقطه آغاز انقلاب ایران شود. همینطور استفاده ما از عنوان "خیزش انقلابی" نه به وقوع یک انقلاب بالفعل بلکه به ماهیت و خصوصیات انقلابی جنبش سرنگونی جاری اشاره دارد. از نظر ما در ایران امروز هنوز انقلابی رخ نداده است اما جامعه آستان یک تحول انقلابی است و جنبش جاری ظرفیت آنرا را دارد که به یک انقلاب اجتماعی زیر و رو کننده فراروید. همین ظرفیت و فضای حاکم بر جامعه، موجب شده است که بیشتر مفسران و تحلیلگران از لفظ "انقلاب" بطور عام استفاده کنند.

سیاست حزب حکمتیست در دوره انقلابی، نمایندگی منافع و اهداف طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری، بسیج کل اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی، رفع موانع پیشروی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و تمرکز روی جدال برسر قدرت سیاسی است. برای ما سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی یک حلقه از انقلاب کارگری و سوسیالیستی در ایران و یک سکوی خیزش های انقلابی و توده ای در کشورهای اسلام زده و استبدادی در منطقه و جهان است. ما بر زنانه بودن جنبش انقلابی و نقش تعیین کننده آن در سیر این مبارزه و جایگاه مهم پرچمداری زنان علیه سلطه اسلام و قوانین اسلامی در کشورهای اسلام زده تاکید می کنیم. ما خصلت جهانشمول برابری زن و مرد، ویژگی آنتی اسلامیستی، انسانگرانی و آوانگارد بودن این جنبش را برجسته می کنیم. ما بر هویت غیر ملی و غیر قومی و غیر مذهبی خیزش انقلابی اصرار میورزیم. ما به تقابل محوری این جنبش علیه فقر و فساد و گرانی و خواست رفاه همگانی تاکید داریم. اینها سرمایه های خیزش انقلابی برای خیزی بلند و یک تعیین تکلیف قطعی با نظم موجود است. این خصوصیات و کاراکتر جنبش اعتراضی یک منبع نیروی مادی عظیم و واقعی برای رهائی سوسیالیستی جامعه ایران است.

به این اعتبار اردوی کارگر و زحمتکش و زن و مرد آزادیخواه، مقابل کلیه سیاستهای قرار میگیرند که تلاش دارند جنبش جاری در چهارچوبهای ارتجاعی ملی و مذهبی و قومی اسیر کنند و یا امر آزادی زن و جامعه را از این مجاری تبیین کنند. این گوشه ای از جدال برسر افق جامعه و راه حلهای متفاوت در مقابل خیزش انقلابی جاری است.

و بالاخره سوالات و انتظاراتی در ایندوره طرح شدند. از جمله چرا طبقه کارگر در سطح سیاسی وارد عمل اعتصابی نشد. طبقه کارگر مکانیسم مبارزه اش با مکانیسم مبارزه توده ای و خیابانی فرق دارد. طبقه کارگر امکانات و موقعیت دانشجویان و یا بازاریان و کسبه را ندارد. حتی موقعیت کارگر در صنایع و مراکز تولیدی با موقعیت معلم

و فرهنگی بدرجه زیادی تفاوت دارد. عدم حضور سیاسی و اعتصابی کارگران بمثابة طبقه و بعنوان شرکتهای مختلف، می بایست با اسم و رسم و علنی باشد، نمیتوانست مانند اجتماع در خیابان و محلات افراد در جنگ و گریز باشند. در تناسب قوای کنونی و میزان پیشروی و توده ای شدن جنبش، هنوز حضور علنی و سیاسی طبقه کارگر علیه حکومت را مقدر نمی کرد. کارگران بعنوان طبقه و شرکتهای مختلف بصورت علنی و آشکارا نمی توانستند با شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر حکومت در تناسب قوای فعلی بمیدان بیایند. چنین انتظاری از کارگران واقعی نبود و علیرغم هر نیت مثبت گویندگانش بر عدم شناخت موانع واقعی طبقه کارگر در کشمکش سیاسی جاری دلالت دارد. کارگران در هر انقلابی وقتی می آیند که کار را تمام کنند، زمانی که تناسب قوا به یک مرحله غیر قابل بازگشت رسیده است یا در موقعیتی هستیم که موج برگشت سرکوب رژیم منتهی است، این میتواند محصول گسترش کمی و جغرافیایی جنبش توده ای باشد و میتواند محصول تغییرات در بالا و هر واقعه مهم دیگری که شرایط متفاوتی را در جامعه ایجاد کرده است. درک این موقعیت ها و لحظه ها برای رهبران کارگری و پراتیسیست های کمونیست و سازمانده ضروری و حیاتی است. چرا باید جنبش توده ای و تناسب قوا بحد معینی تغییر کرده باشد تا کارگران بتوانند با اعتصابات گسترده و نفسگیر کمر رژیم را بشکنند، چون در این راه بازگشتی وجود ندارد. درک این سخت نیست که کارگران نمیتوانند یکدور علیه حکومت وارد اعتصاب با خواست سرنگونی شوند و بعد از فروکش جنبش توده ای و یا موفق نشدن اعتصاب، فردا تحت سلطه همین حکومت به کارخانه برگردند و به کار مشغول شوند. بورژوازی این کارگران و مبارزه ضد حکومتی علنی شان را از بالا تا پائین خشن تر از بقیه سرکوب و تار و مار می کند. کارگران محدودیت های سازمانی و تشکل دارند، شرایط امنیتی در دوره کنونی در صنایع کلیدی بیشتر از هر زمانی بوده است، همین امروز کارگران در فقر غوطه ورنند و نان شب ندارند، مسئله تامین نان خانواده و تامین هزینه یکدوره قابل پیش بینی اعتصاب هم یک موضوع مهم دیگر است. اینموارد آخر هنوز نسبت به تناسب قوایی که کارگران میتوانند دخالت موثر سیاسی و اعتصابی کنند، هنوز ساده ترند. در اینموارد خیلی بیشتر میشود گفت.

در مواردی گفته میشود که چرا اعتراضات قبلی بازنشستگان و معلمان و کارگران به همان روال هم ادامه ندارد. دلیل روشن است، در دوره قبل اعتراض میکردیم برای یک خواست و در دوره کنونی میگوئیم حکومت برود. نمیشود وسط دعوائی که جامعه میگوید مرگ بر حکومت، شما همان روز بروی مقابل مجلس و رتبه بندی و امنیت شغلی مطالبه کنی. یکی صلاحیت حکومت را زیر سوال میبرد و دیگری با برسمیت شناسی دوافکتو از وی مطالبه میکند. می بینیم بمجرد اینکه اعتراضات خیابانی درجه ای فروکش میکند، اعتراضات متنوع کارگری در هر گوشه ایران آغاز میشود و "خلأ" اعتراضی را پر میکند. دوره انقلابی از سیاست "مطالبه گری" عموماً عبور میکند و وارد سلب میشود. معنی این حکم این نیست که طرح هیچ خواستی در هر مرحله از جنبش موضوعیت ندارد. حتی آنجا که کارگران ناچارند از سر قابل دفاع بودن و بسیج نیرو، روی خواستهای اقتصادی و رفاهی وارد عمل شوند، معنای سیاسی آن برای حکومت و جامعه روشن است. در بحث و انتظار فوق، مسئله و انتظار این بود که کارگران با اعتصابات سراسری برای سرنگونی حکومت بمیدان بیایند.

## در باره قطعنامه مصوب دفتر سیاسی

سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، جمال کمانگر،

عبه دارابی، همایون گدازگر ...

در هر حال حزب حکمتیست سیاست سرزنش طبقه کارگر بخاطر عدم حضور سیاسی و اعتصابی را ندارد. ما معتقد نیستیم که کارگران و بویژه رهبران کارگری از نظر سیاسی متوجه اوضاع نیستند یا کلاه شان را چسپیده اند. اینها تصورات منصفانه ای نیست و غیر واقعی اند. ما میگوئیم کارگران موانع جدی سر راهشان هست، این موانع را باید شناخت، برای رفع آنها تلاش کرد، انتظارات را بالا برد و آمادگی لازم ایجاد کرد. ما بر گرفتن ابتکار عمل سیاسی طبقه کارگر و کمونیسیم در تحولات جاری تاکید داریم و خود را موظف به شناخت دقیق این محدودیتها و کمک به رفع آنها میدانیم. بعنوان یک حزب کمونیستی کارگری که برای انقلاب کارگری و استقرار سوسیالیسم در ایران مبارزه میکنیم، همه تلاشمان اینست که طبقه کارگر در راس تحولات و رهبری سیاست ماکرو قرار گیرد، اما این مهم صرفاً با آزیتاسیون و بدون رفع موانع حضور قدرتمند کارگران عملی نیست.

در پایان لازمست تاکید کرد که کارگران بدهی ای به این گلابه های رادیکالیسم غیر کارگری در مورد عدم حضور سیاسی خود ندارند. بیشترین توده شرکت کننده در اعتراضات را کارگران و فرزندان کارگران تشکیل دادند. اعتراضات در مناطق محروم و کارگری بیشترین شمار را داشته است. بیشتر دانشجویان و دانش آموزان از فرزندان کارگران هستند. چهار اعدامی خیزش انقلابی کارگر بودند و شمار زیادی از جانباختگان و اسرا از مردم محروم هستند. کارگران خود را صاحب این جنبش میدانند و در آن شعارها و آمال خود را می بینند. این خیزشهای توده ای روی دوش اعتراضات و اعتصابات کارگری قد برافراشتند و در موج بعدی با اعتصابات کارگری و جنبش شورانی طبقه کارگر ترکیب خواهد شد. ما هنوز در آغاز راه هستیم.

**کمونیسیت هفتگی:** سند دفتر سیاسی بر رفع موانع حضور طبقه کارگر و ضرورت بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی برای تامین رهبری سراسری سخن میگوید. این موانع کدامند و چگونه باید برطرف شوند؟ حزب در قلمرو سازماندهی و رهبری در مرحله کنونی جنبش چه میگوید؟

**رحمان حسین زاده:** در قطعنامه مصوب دفتر سیاسی حزب به درست تاکید کرده ایم که جامعه ایران وارد یکدوره انقلابی شده و جدال بر سر قدرت سیاسی مهمترین شاخص دوره انقلابی است. به نظر ما در جدال قدرت سیاسی طبقه کارگر نقش محوری به عهده دارد. پافشاری بر این حقیقت صرفاً تکرار ایده های خوب کارگری و کمونیستی ما نیست. بلکه به دو لحاظ واقعیت اجتماعی و ضرورت سیاسی میرم این دوره را برجسته میکنند. واقعیت اجتماعی است چون جنبش طبقه کارگر ایران در طول حاکمیت سیاه و استبدادی جمهوری اسلامی، مهمترین جنبش اجتماعی حاضر در صحنه در مصاف با حاکمیت سرمایه اسلامی بوده است. به ویژه یک دهه اخیر با هزاران اعتصاب و اعتراضات و گردهمایی و راهپیمایی و تحصن و تجمع، موقعیت فعالترین و سرزنده



ترین جنبش طبقاتی و اجتماعی در مصاف با جمهوری اسلامی را داشته است. به وجود آمدن شرایط انقلابی دوره اخیر مدیون حضور مبارزاتی موثر جنبش کارگری در فضای سیاسی ایران است. به همین دلیل در فضای سیاسی سالهای اخیر سرها به طرف نقش رهبری کننده طبقه کارگر چرخیده و همه مبارزین انقلابی قطب چپ جامعه و دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال به کرات

ضرورت و توقع رهبری را از طبقه کارگر مطرح کرده اند. نفس اکتول بودن توقع رسالت رهبری طبقه کارگر، پیشروی مهم در راستای به فرجام رساندن رهبری کارگری در جامعه است. در عین حال این پدیده ضرورت سیاسی مبرم این دوره هم هست. یکی از تجارب مهم طبقه کارگر و مبارزین آگاه و ما کمونیستها این است که نگذاریم بار دیگر تجربه تلخ مقطع انقلاب ۵۷ و جابجایی قدرت بین جناحهای بورژوازی بر علیه منافع طبقه کارگر و مردم تکرار شود. بلکه یکبار برای همیشه طبقه کارگر پرچمدار تعیین تکلیف قطعی با بورژوازی و جمهوری اسلامی و ساختن آینده بعد از نظم جهانی سرمایه باشد. این ضرورت سیاسی تحول تاریخی این دوره است. در این راستا گامهای مهمی برداشته شده و اما موانع زیادی هم وجود دارد. در میان موانع من بر سه مسئله مهم و البته شناخته شده تاکید بیشتری میگذارم، الف: تناسب قوای نامساعد- ب: فقدان سازمان توده ای ادامه کار- ج: غیبت رهبری سراسری و تحزب کمونیستی رهبر و سازمانده. در مورد هر کدام توضیحاتی خواهیم داد.

به نظرم اولین مانع در مقابل قد علم کردن طبقه کارگر در قامت رهبری تحولات جاری هنوز تناسب قوای نامساعدی است که بورژوازی بر جنبش کارگری و جنبش اعتراض توده ای تحمیل کرده است. سرکوبگری خشن و تعرض معیشتی شنیع و شرایط بسیار سخت کار و انواع ترفندهای تفرقه ایجاد کن در صفوف جنبش طبقه کارگر مانع به کار افتادن کل پتانسیل مبارزاتی جنبش طبقه ما برای تحقق خواسته های اقتصادی و سیاسی خود و کل جنبش آزادیخواهانه و به ویژه برای تعیین تکلیف نهایی با بورژوازی حاکم است. با وجود اینکه در خیزش انقلابی پنج ماهه اخیر تناسب قوای مبارزاتی در سطح قابل توجهی به نفع جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی تغییر کرد، اما هنوز به درجه ای نرسیده، که هم جنبش کارگری و هم جنبش توده ای با تمام ظرفیت ممکن برای وارد کردن ضربه نهایی به جمهوری اسلامی وارد صحنه شوند. در نتیجه چاره ای نیست، جز اینکه جنبش کارگری همانند تجارب تاکنونی خود، کماکان به عنوان نیروی فعاله تغییر تناسب قوا و ایجاد شرایط مساعدتر عمل کند، به نحوی که بتواند بیشترین پتانسیل مبارزاتی خود را به صحنه بکشد. راه اینکار تلاش آگاهانه و سازمانیافته رهبران و پیشروان سوسیالیست کارگری متکی به همین اعتصابات و اعتراضات جاری و متکی به همین مبارزات جاری کوچک و بزرگ برای عقب راندن بورژوازی و قدرت حاکمه است. در همین راستا به مانع دوم یعنی متکی نبودن به سازمان توده ای کارگری، متشکل کننده بیشترین نیروی مبارزاتی جنبش کارگری میرسیم. طبعاً همه کارگران آگاه متوجه ضرورت ایجاد تشکل توده ای خود هستند و در این رابطه احتیاجی به توضیح نیست. بارها و بارها کارگران در جریان اعتصابات و اعتراضات خود به سطحی از اتحاد و تشکل، به شبکه مبارزاتی فعالین

## در باره قطعنامه مصوب دفتر سیاسی

سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، جمال کمانگر،

عبه دارابی، همایون گدازگر ...

همگام با هم و به مجامع عمومی و گاه‌آه‌ها سندیکا و دیگر نهادهای مقطع مبارزه روی آورده و بی تجربه نیستند. اتفاقاً همین سطح از تلاشهای سازمانگرا بخش مهمی از پیشروی تاکتونی جنبش کارگری را تأمین کرده است و باید قدر این تقلابها را دانست. در شرایط حاضر هم با توجه به فاکتورهای نامساعد و مساعد پیش رو، به مثابه رهبران و پیشروان کارگری و ما کمونیستها بیش از پیش و نقشه مند، لازمست فعالیت برای سازمانیابی توده ای و تشکل توده ای را پیگیری کنیم. در این راستا در بند هشتم قطعنامه تاکید کرده ایم "حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر اهمیت سازماندهی یک جنبش مجمع عمومی در کارگاهها و واحدهای تولیدی و اقتصادی تاکید میکند. در غیاب شوراهای قوام گرفته کارگری، در فقدان هر نوع سازمان توده ای قدرتمند و ادامه کار کارگری، مجمع عمومی یعنی تجمع هدفمند و آگاهانه کارگران برای تصمیم گیری جمعی و تأمین رهبری حرکات اعتراضی، کلید پیشروی جنبش اعتراضی کارگران است. مجمع عمومی ادامه کارترین و موثرترین شیوه سازماندهی توده ای کارگران در شرایط کنونی و یک پیش شرط قدعلم کردن یک جنبش شورائی- کارگری قدرتمند در تحولات جاری است". واضح است متکی شدن جدی به جنبش شورایی و شوراهای قوام گرفته کارگری در سطح پایه و سطح بالاتر، اهرم قدرتمند طبقه کارگر در جدال قدرت سیاسی خواهد بود.

به علاوه از نظر من مانع سوم و اصلی تر عروج نکردن رهبری جاافتاده و سراسری و تحزب کمونیستی هدایت گر در خیزش انقلابی جاری است. بدو این را توضیح دهم که منظور ما عروج رهبری رادیکال و کمونیستی در رأس تحولات انقلابی جامعه است و نه رهبری علی العموم. لذا قدعلم کردن رهبری رادیکال کمونیستی و تحزب کمونیستی آن در کشمکش برسر قدرت سیاسی یک پدیده اند و نمیتوان آنها را از هم تفکیک کرد. اینها لازم و ملزوم همدیگر هستند. ما بر این کمبود اساسی واقفیم و به عنوان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست در عین حال زمینه های مساعد قد علم کردن رهبری رادیکال و سراسری را می بینیم. در قطعنامه مصوب تاکید کرده ایم. "جنبش انقلابی متکی به درجه ای از سازماندهی و رهبری در مقیاس محلی، تاکنون پیشروی نموده است، اما ادامه پیشروی موثرتر در گرو سازمانیابی بیشتر شبکه ها و ارگانهای انقلابی در محلات و مراکز کار، دانشگاه ها و مراکز آموزشی، میان جنبشهای اجتماعی رادیکال و مهمتر تأمین رهبری سراسری است". در همین راستا ما بر گسترش و انسجام و همگامی بیشتر شبکه رهبران کارگری و سوسیالیست مراکز کارگری با هم، فراتر از مراکز و رشته کارگری خود، بلکه فراکارخانه ای و رشته ای عمل کردن، در سطح هر استان و سراسر کشور تاکید میکنیم. همگامی شبکه رهبران پیشرو کارگری با شبکه رهبران و فعالین اعتراضات توده ای، با رهبران و فعالین مبارزات زنان و نسل جوان و اعتراضات محله محور در هر شهر و منطقه را ممکن و بسیار

ضروری میدانیم. این سطح از کار عملاً به عروج رهبران و فعالین کارگری سراسری تر کمک میکند. میتواند اتحاد مبارزات کارگری و توده ای را ممکن کند. به علاوه ما آگاهیم بر اینکه رهبران و پیشروان سراسری و محلی کارگری و توده ای به تحزب رادیکال و کمونیستی لازمست متکی شوند. جنبش کارگری و توده ای رادیکال در جدال قدرت سیاسی علاوه

برسازمانهای توده ای خود از نان شب واجب تر است به حزب کمونیستی راهگشا و کارساز خود متکی شوند. در پاسخگویی به این نیاز تلاش آگاهانه ما تبدیل حزب حکمتیست به حزب عجین شده با همین شبکه های رهبران سوسیالیست کارگری و توده ای، تبدیل حزب به جریان پاسخگویی نیازهای مبارزاتی آنها و به حزب ابزار دست آنها در جدال بر سر تصرف قدرت سیاسی است. ما واقفیم که حزب ما در این مسیر پر پیچ و خم مبارزاتی هنوز با محدودیتها و کمبودهای جدی روبرو است. نقشه ما اینست براین محدودیتها فایق آیم. در عین حال حزب ما ظرفیتهای و تواناییهای خود را از جمله اتکا به پلاتفرم روشن در جنبش سرنگونی و ترسیم مداوم تمایز با الترناتیوهای بورژوایی و راست و مهمتر اتکا به برنامه جامع دنیای بهتر در مسیر سازماندهی انقلاب کارگری و ترسیم تحول سوسیالیستی آتی و بکارگیری اعتبار و سابقه مثبت حزب در جامعه و تجربه و توانایی نسلی از کادرهای با تجربه چهار دهه مبارزه کمونیستی را سرمایه سیاسی بزرگی در راستای عروج رهبری انقلابی و رادیکال میداند. فراخوان ما به محافل و شبکه رهبران کمونیست در جنبش کارگری و در جنبشهای اجتماعی رادیکال و هر جریان و فعال کمونیست اینست، دست در دست هم میتوانیم به رهبری با اتوریته، کاردان و رادیکال در رأس جنبش سرنگونی و خیزش انقلابی جاری شکل دهیم. در فرصت تاریخی به وجود آمده سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و سازماندهی انقلاب کارگری را به فرجام برسانیم.

**کمونیست هفتگی:** قطعنامه بر ویژگی ضد مذهبی و ضد اسلامی جنبش جاری تاکید دارد. همینطور از یک رادیکالیسم اجتماعی چپ در خیزش انقلابی سخن میگوید. اولاً اهمیت این ویژگی ضد مذهبی چیست و چرا حزب بر آن تاکید می کند؟ ثانیاً چرا حزب با تبیین نیروهای راست از خیزش انقلابی مخالف است؟

**جمال کمانگر:** ما بارها در این ۴۴ سال از عمر ننگین رژیم اسلامی تاکید کرده ایم که ایران جامعه ای اسلامی نیست، حکومت اسلامی است و جامعه هر روز این اسلامیت رژیم را پس میزند و علیه آن مبارزه می کند. این نخواستن اسلام توسط مردم خود را در عدم تمکین به قوانین اسلامی و زیرپا نهادن آن در خانه و مدرسه و کوچه و بازار نشان داده است. یکی از جبهه های اصلی نبرد علیه رژیم اسلامی، مبارزه زنان علیه حجاب اسلامی و قوانین ضد زن و آپارتاید جنسی حاکم بوده است. مشکل رژیم دو سوم جمعیت آن کشور است که بعد از انقلاب ۱۳۵۷ به دنیا آمده اند و تمام زندگی را همین امروز میخواهند.



زیر سوال نمی برد؟

**عبداله دارابی:** "اینکه چه نوع حکومتی بر سر کار بیاید، اهمیتش به مراتب بیشتر از سرنگون کردن یک رژیم است؛ زیرا در صورت ناآگاهی، عدم تشکل و بی تجربگی، حکومت بدست دشمنان دیگری خواهد افتاد. (لنین).

رویدادهای چهار دهه اخیر جهان و خاورمیانه، از جمله خیزش انقلابی جاری و حی حاضر مردم ایران برای سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی، صحت و سقم این نکته لنین را به درستی بیان کرده است. همانطور که در سؤال فوق اشاره شده، دفتر سیاسی حزب با درک و شناخت درست از این دوره، بموازات تلاش بی وقفه برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی، بر نقد و افشای صریح افق و سیاست نیروهای راست اپوزیسیون نیز به عنوان دو سیاست جدی این دوره، تأکید نمود و آنرا در دستور کار حزب و کمونیستها قرار داد.

با توجه به آن، از نظر کارگر کمونیست و مردم آزادیخواه این دوره، جدال طبقاتی برسر چگونگی ساقط کردن رژیم، و کسب قدرت سیاسی بعد از آن، به صدر صحنه سیاست ایران کشیده شده و هم اکنون بارقه های روشنی از آن بچشم میخورد. در انقلاب ۵۷ ایران، جدال سیاسی طبقه کارگر و انقلابیون آندوره، عمدتاً روی سرنگون کردن رژیم متمرکز بود که، سرانجام آن بجایی رسید که طبقه سرمایه دار ایران بتواند با فرجه بیشتری آلترناتیو حکومتی از گور برخاسته خود را با زور بر کرده مردم سوار کند. اما جدال سیاسی - طبقاتی بین کار و سرمایه در ایران امروز، عریانتر و طبقاتی تر از همیشه هم برسر نحوه سرنگونی رژیم و هم کسب قدرت سیاسی بعد از جمهوری اسلامی جریان داشته و دارد. برای نمونه: راست پروغرب بمنظور متوهم کردن و شکست دادن خیزش انقلابی مردم بپاخاسته ایران، با توسل به یک خودگمارده مرتجع چون رضا پهلوی، میکوشند تا از کانال دول غرب، مجوز «وکالت گری» مردم ایران را کسب کنند و به اعتبار آن، در درجه اول تلاش کنند آدمکشان مرتجع رانده شده و باقیمانده درون رژیم را که سرمایه اصلی آنها را تشکیل میدهد دور خود جمع کنند و به آنها اطمینان خاطر دهند که با این کارت مورد تأیید دول غرب، میتوان در مقابل خیزش انقلابی مردم ایران ایستاد و بدینوسیله بقای نظام موجود و راه اندازی مجدد تولید سرمایه داری را ضمانت کرد! چون رضا پهلوی و سردمداران کمپ راست ضد انقلابی بخوبی یقین دارند بدون جلب و جذب بخش قابل توجهی از نیروی های سپاه و بسیج، و اطلاعات از همه جا رانده و مانده رژیم، به هیچ جایی نخواهند رسید و بدون آن، حتی تظاهر لفظی به «حفظ بقا و راه اندازی مجدد ماشین تولید سرمایه داری» پوچ خواهد بود. ولی تاکنون واقعیت نشان داده است تلاش آنها در این زمینه صفر بوده، چون آمریکا و دول غرب، به آن تن نداده اند. عدم توافق دول غرب در این شرایط، از بد طینت بودن رضا پهلوی سرچشمه نمیگیرد. چون در عالم واقع سیاست در ایران، جنبشی عروج کرده که توجه افکار عمومی جهان را بخود جلب کرده، که ابعاد آن بمراتب بزرگتر و عظیم تر از

صفحه ۹

## در باره قطعنامه مصوب دفتر سیاسی

سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، جمال کمانگر،

عبه دارابی، همایون گدازگر ...

قتل مهسا امینی در شهریور ماه ۱۴۰۱ و شروع اعتراضات در سقز با دور انداختن حجاب و آتش زدن آن شروع شد. این درجه نفرت از قوانین اسلامی در جهان معاصر بی نظیر است. این جنبش پتانسیل قوی ضد اسلامی را در خود دارا مییابد. کنار گذاشتن مراسم اسلامی بر مزار جانبختگان اعتراضات اخیر و تبدیل این مناسبتها به روز اعتراض و پخش سرود و خواندن شعر جلوه دیگری از پتانسیل این جنبش عظیم ضد دینی در ایران است. زنده یاد مجید رضا رهنورد قبل از اعدام در مورد مفاد وصیتش با چشمان بسته و دست شکسته به بازجو خبرنگاران رژیم اعلام کرد: "برای من نماز نخوانید، قرآن پخش نکنید و شادی کنید." این سخنان یک انقلابی قبل از اعدام است که شجاعت ضد اسلامی یک نسل را به جهانیان معرفی کرد.

برای ما کمونیستها که مبارزین خستگی ناپذیر روشنگری علیه صنعت دین هستیم این جلوه ها غرور آفرین است. مردم در پنج ماه اخیر اجتماعاً به این نتیجه رسیده اند که میخواهند نه تنها خود را از قید و بند قوانین دینی رها کنند بلکه یک رگه قوی ضد سرمایه داری در شعارها و اعتراضات و استبداد در هر شکل آن به چشم میخورد. آخوند به عنوان نماد مفتخورترین قشر جامعه شناخته میشود. در کنار حجاب سوزان عامه پرانی به نماد ضدیت با تحجر در ایران تبدیل شده است.

اپوزیسیون راست هیچ وقت طرفدار خیابان و به قول خودشان "هرج و مرج" نبوده است. "انقلاب" در قاموس آنها مترادف با "خشونت" است این در حالی است که بیشترین خشونت توسط هیئت حاکمه علیه مردم عادی در طول تاریخ صورت گرفته است. اگر امروز مجبور شده اند بر مطلوبیت "انقلاب" حرف بزنند نه از سر خیرخواهی بلکه برای از ریل خارج کردن و به کنترل در آوردن حرکت اعتراضی مردم است. در ادبیات سیاسی از تحولات ایران با عناوینی مانند؛ "انقلاب ملی ایران"، "انقلاب فمینیستی" و "انقلاب دموکراتیک ایران" و غیره نام میبرند. این ترما همراه کننده است. از نظر ما آنچه در پنج ماه اخیر شاهد بوده ایم خیزش انقلابی و جنبش برای سرنگونی رژیم است. بدون تردید انقلابی در راه است، آن هم انقلاب کارگری که چشم انداز تحقق آن منشأ امید طبقه کارگر و ستمدیدگان جامعه و مایه هراس بورژوازی جهانی و محلی است. ما برای تحقق جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض مبارزه می کنیم. یک جامعه سوسیالیستی.

**کمونیسٹ ہفتگی:** قطعنامه وظایفی را علیه افق نیروهای راست و جدا کردن حرکت و سیاست مردم از آنها پیش پای حزب و کمونیست ها میگذارد. این موضوع چرا اهمیت دارد و چه مکانی در مبارزه جاری برای سرنگونی جمهوری اسلامی دارد؟ آیا این سیاست "اتحاد مردم" را

**نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!**



## در باره قطعنامه مصوب دفتر سیاسی

سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، جمال کمانگر،

عبه دارابی، همایون گدازگر ...



پیش رفت. نوعی دیگر از اتحاد، مشترکات رو یک یا چند خواست مشخص است که جریات مختلف بدون عدول از اهداف اصولی خود میتوانند روی آن به توافق برسند و برای آن فعالیت کنند.

اما در مورد جنبش راست پروغرب و جنبش کارگری کمونیستی و آزادیخواهی ایران، هیچ اشتراکات تاکتیکی و استراتژیکی وجود ندارد که این

دو نیرو را سر یک میز جمع کند و بر مبنای آن توافق کنند و متحد شوند. چون راست پروغرب، در عالم واقع نه تنها سرنگونی طلب نیست، بلکه عین جمهوری اسلامی، روی بقای وضع موجود و تمام عرف و عادات و قوانین نظام سرمایه داری راضی و ساق است و به همه آنها پایبند و اگر در فردای سرنگونی رژیم به قدرت برسد و توانش را داشته باشد همان راهی خواهد رفت که جمهوری اسلامی طی کرده است نه چیزی کمتر از آن. بهمین خاطر بود، ما چهل سال قبل گفتیم: جمهوری اسلامی ادامه راه پهلوی و رژیم سلطنتی است، اگر احیانا رضا پهلوی را هم با بند و بست برگرداند مردم سوار کنند، بی تردید ایشان هم ادامه دهنده راه هر دوی آنها (سلطنت پهلوی و جمهوری اسلامی) خواهد بود. ما میگوئیم دوران اینها بسر آمده و مردم شایسته زندگی بهتری هستند.

**کمونیسیت هفتگی:** قطعنامه دفتر سیاسی از چشم انداز یک انقلاب کارگری و یک تحول سوسیالیستی در ایران و ضرورت انتخاب مردم سخن میگوید. پیشروی و پیروزی جنبش جاری برای سرنگونی در گرو چیست و فراخوان و سیاست حزب به کارگران و اردوی انقلابی چیست؟

**همایون گدازگر:** ما مشخصا در دل خیزش انقلابی اخیر با مشخصات برجسته آن، همواره تاکید کرده ایم که برای ما کمونیستها و طبقه کارگر سرنگونی جمهوری اسلامی نه تنها پایان کار نیست، بلکه شروع و فرصتی برای خیز برداشتن بسوی دستیابی به قدرت سیاسی و استقرار حکومت کارگری است. خصوصیات برجسته و عمیقاً انسانی خیزش حاضر و ماهیت چپ و ضد مذهبی که همبستگی کم سابقه ای را در جامعه بدنبال خود بوجود آورده است، در واقع رنگ و بوی سوسیالیستی و عدالتخواهانه ای در سطح جامعه پدید آورده است که می تواند در صورت آمادگی طبقه کارگر و کمونیسیم جامعه ایران، تخته پرشی برای ادامه انقلاب و کیفر خواست علیه کل نظام سرمایه داری باشد. زیر پوست همین جنبش عظیم ضد تبعیض، جنگی واقعی، جنگ طبقات متخاصم، جنگ طبقاتی، بعنوان نیروی محرکه حکم می راند. طبقات متخاصم با استفاده از همه ابزارهای سیاسی، تبلیغاتی، فرهنگی، روانی و ایدئولوژیکی، خود را برای جنگ آخر و پیروزی آماده می کنند. جریانات بورژوائی در هیئت جریانات راست پرو غرب و کل اپوزیسیون بورژوائی جمهوری اسلامی بی وقفه در تلاشند که برنده این جنگ باشند. با تمام امکانات و بهره مندی از پشتیبانی دولت‌های غربی و ابزار همیشگی شان یعنی ناسیونالیسم و مذهب برای خفه کردن انقلاب برحق مردم در تلاشند.

صفحه ۱۰

جنبشی است که ۴۳ سال قبل تاج و تخت پدر رضا پهلوی را ساقط کرد. این جنبش بپاخاسته نه تنها سرماییداری محلی بلکه کل نظام سرمایه داری جهان را به لرزه انداخته است. با توجه به نکات فوق الذکر، باید به روشنی و قاطعیت کامل به نقد و افشای افق و سیاست نیروهای اپوزیسیون راست پرداخت و آنها را افشا و رسوا کرد. چون دغدغه اصلی آنها نه تنها سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی نیست، بلکه جنبش انقلابی رادیکال و سرنگون طلب را مانع جدی سر راه خود میدانند و با تمام توان برای تضعیف و به شکست کشاندن آن تلاش میکنند.

افق و کارکرد نیروهای راست را باید نقد و افشا کرد و ماهیت آنها را بمرم نشان داد، چون اهدافشان با مردم نه تنها یکی نیست بلکه با سرنگون کردن تمام و کمال رژیم که خواست مردم است مخالفت جدی دارند. چون نیروی راست بشدت با سرنگونی کامل رژیم، انحلال و خلع سلاح سپاه و بسیج و ارتش و وابستگان رژیم مخالفند. چون در آرزوی آنند همه نیروهای سرکوبگر را بعد از جمهوری اسلامی مجدداً به خدمت خود درآورند و بار دیگر آنها را علیه مردم بکار بگیرند. نیروی راست با تشکیل میلیس مسلح توده ای مردم برای دفاع از خود و ایجاد حاکمیت شورایی طبقه کارگر و مردم بپاخاسته مخالفت عمیق دارند.

نکات کوتاه فوق الذکر، بخوبی نشان میدهد که، اتحاد و یکپارچگی کارگر و مردم آزادیخواه ایران، در گرو همزمان بودن مبارزه برای سرنگون رژیم از یکسو، و نقد و افشای صریح اپوزیسیون راست از سوی دیگر میباشد نه چیزی کمتر از آن. چون خصوصیت دوره انقلابی، دلالت بر این دارد در کنار تلاش برای سرنگون کردن رژیم، تلاش برای آلترناتیو سازی و اعمال هژمونی بر جنبش سرنگونی طلب از طرف جریانات دخالتگر و مسئول مجذبه قطعی و مسجل شود و مردم بر آن واقف باشند که حاصل مبارزاتشان بعد از سرنگونی رژیم چه خواهد بود و به چه چیزی دست خواهند یافت. در غیر اینصورت، نفس اتحاد برای سرنگونی همچنان قوی و استوار باقی نخواهد ماند و در نهایت امر به اهداف مورد نظر خود نخواهد رسید. با توجه به آن، اهداف و سرنوشت حال و آینده هر یک از جنبش های دخیل در مبارزه، مستلزم نوعی از خودآگاهی است تا بر مبنای آن بتواند نیازها و واکنش های رفتاری خود را بخاطر دستیابی سریع به اهدافش با آن منطبق و هماهنگ کند. برعکس جریانات پوپولیستی، اگر چنین تلاشی صورت نگیرد با صرف کلمه اتحاد، اتحاد گفتن، از قافله عقب خواهد ماند و نهایتاً از پیشبرد اهداف انقلابی مد نظر خود باز خواهد ماند که تا ده ها سال دیگر جبران نخواهد شد. تبیین درست برای اتحاد کردن و متحد شدن، در درجه اول اتحاد کردن با هم جنبشی ها و هم طبقاتی های خودی است که میتواند تا رسیدن به مقصد استوار و همسو و با هم

**برابری یک برابری سوسیالیستی!**

## در باره قطعنامه مصوب دفتر سیاسی

سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، جمال کمانگر،

عبه دارابی، همایون گدازگر ...

اما دشمنان طبقاتی کارگران در خیزش اخیر، علیرغم همه امکانات مالی، تبلیغاتی و سنت حکومتداری ای که دارند، از صف انقلابیون و طبقه کارگر می ترسند. عجله دارند تا از زبانه کشیدن بیشتر آتش انقلاب جلوگیری کنند. چرا؟ چون می بینند و می دانند که جنبش حاضر زمینه های مناسبی برای پرش بیشتر بدست داده است. پرشی که با سرنگونی جمهوری اسلامی متوقف نخواهد شد. در حالیکه هنوز گول کارگر متشکل و متحزب به میدان نیامده است، همه چیز براین واقعیت دلالت دارد که بقول قطعنامه حزب "یک فرصت تاریخی فراهم آمده است". فرصتی که شانس قدرت گیری کارگر را بالا برده است. بشرط اینکه به استقبال تهیه ملزومات آن برود.

اما علیرغم نقطه قوتهای جنبش حاضر، اکنون دیگر بیش از پیش روشن است که پیروزی قطعی در گرو شرکت و دخالت طبقه کارگر و پیشروان آن در جدالها و مسائل گرهی کنونی جامعه است. در گرو به میدان آمدن طبقه کارگر متشکل و متحزب با ادعای رهبری صاحب جامعه است. کارگران و کمونیستها برای تحقق این ملزومات از صفر شروع نمی کنند. ۴۳ سال مبارزه طبقاتی علیه جمهوری اسلامی صف نسبتاً طولی از رهبران کاردان و آگاه را به جلو صحنه رانده است. اما این اندازه از تشکل و خود آگاهی هنوز قادر به ایفای نقش تاریخی کمونیستها و کارگران برای نجات یکباره جامعه از نکبت سرمایه داری نیست.

وقت آنست که شبکه های متحد کارگران و رهبران مبارزات آنها عملاً بسوی ایجاد سازمانهای توده ای کارگری گام بردارند. همچنین واضح است که بدون یک اسکلت بندی محکم حزبی در بین رهبران کارگری، امر پیشبرد انقلاب و بمیدان آوردن طبقه کارگر برای این جنگ طبقاتی غیر ممکن است. خلاصه وظایف تاریخی خطیری پیش پای رهبران طبقه کارگر و کمونیستها قرار گرفته است که جواب دادن به آنها می تواند سیمای سیاسی - اجتماعی جامعه ایران را زیر و رو کند و در دهه سوم قرن بیست و یکم کل منطقه و خاورمیانه اسیر چنگال اسلام سیاسی را برای رهایی رهنمون شود. رشد طبقه کارگر ایران و مبارزات سالهای اخیر بخصوص در مراکز بزرگ و حیاتی از قبیل نفت و گاز و پتروشیمی ها نشان از توان بالقوه آن برای پیشاهنگی و به انجام رساندن خیزش انقلابی اخیر را دارد.

\*\*\*

علیه زندان، علیه شکنجه، علیه اعدام علیه زن کشی و کودک کشی،

برای آزادی و برابری سنگرمان را در خیابان حشفه میگیریم

زمان: شنبه ۴ فوریه

ساعت: ۱۴ بعد از ظهر مکان: برونز پارک واقع در مرکز شهر

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - کمونیست  
واحد کونترک

شماره تماس با ما ۰۷۶۲۸۰۹۹۹۱ چیم دارابی



Manifestation Göteborg i fortsatt solidaritet  
med franska folkets revolutionära upprustning

mot fångarskap, mot tortyr, mot avrättningar  
mot Kvinnomord och barnmord  
För frihet och jämlikhet. Behåller vi vårt dike på gatan  
Datum: Lördag 4 e Februari klockan: 14  
Plats Brunnsparken i Centrala Göteborg

Anordnas av  
franska komonistiska arbetar partiet-Hekmatist, Göteborgs sektion  
Kontakt med oss 0762809991 Chiman Darabi

## مجمع عمومی ظرف ابراز وجود

## مستقیم و مستمر کارگران است!

## در اعتراضات کارگری به مجمع عمومی متکی شوید! مجمع عمومی را آگاهانه و

## بنا به هر نیازی برپا کنید!

## جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

## شوراهای کارگری را برپا کنیم!

## آینده را ما می توانیم بسازیم، وکیل نمی خواهیم!

سعید یگانه

جامعه ایران در یک تحول انقلابی قرار دارد. مسئله سرنگونی و نخواستن جمهوری اسلامی به مسئله اصلی خیزش کنونی جامعه ایران تبدیل شده است. به این دلیل تنها رژیم جمهوری اسلامی نیست که از خیزش انقلابی مردم هراسان شده است و برای حفظ رژیم سراپا جنایتش چنگال خونین نشان می دهد، بلکه دشمنان دیگر مردم که در لباس اپوزیسیون جمهوری اسلامی و دوست مردم ظاهر می شوند و به این انقلاب و آینده آن نگاه می کنند، نیز ترس و نگرانی خود را از رادیکالیسم و توقعات بالای مردم از آینده بعد از جمهوری اسلامی در عمل پنهان نمی کنند و به عناوین مختلف با پروژها، کمپینها، شخصیت سازیها با استفاده از رسانه های پر بیننده تلاش می کنند مهندسی افکار بکنند و این تحول انقلابی را از مسیر واقعی آن منحرف و لباس بورژوازی خود را به تن آن کنند و مسیر آن را مطابق میل و آرمان خود پیش ببرند و مردم را به کم قانع کنند.

یکی دیگر از ترندهای این آقایان بورژوا برای منحرف کردن و مصادره انقلاب و رهبر تراشی برای آن، کمپین "من وکالت می دهم" رضا پهلوی و هواداران ایشان و فرسگردها است که مدتی است در شبکه های اجتماعی به راه انداخته اند. این هم یکی دیگر از اقدامات رضا پهلوی و جریانات منتسب به سلطنت و مشروطه خواه بعد از پروژه های شکست خورده تا کنونی آنان است برای مقابله با انقلاب مردم. این کمپین در داخل جواب نگرفت و قیلهای نیز با شعار "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر" دست رد به سینه ایشان و هواداران تاج و تخت زدند.

واقعیت اینست رضا پهلوی و طیف رنگارنگ راست بورژوازی پرو غرب و ناسیونالیستها که هدف آنان با منافع بنیادی کارگر و زحمتکش و زن تحت ستم در تضاد است، با تحول انقلابی و آزادیخواهانه در ایران و رادیکالیسمی که نمایندگی می کند مشکل اساسی دارند. با "زیاده خواهی مردم" سر ستیز دارند. با اسم رمز "انقلاب ملی" یا "دوره گذار" که اخیرا با شروع این کمپین برجسته شده است، در واقع با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی ضدیت دارند، با خصوصیات بارز این تحول انقلابی از جمله حضور پررنگ زنان در خط مقدم مبارزه علیه آپارتاید تمام عیار جنسیتی و اسلامی، خصلت ضد مذهبی که در تحولات اجتماعی ایران بی سابقه است، همینطور خصلت طبقاتی و کارگری و ضد تبعیض آن که با منافع بورژوازی رضا پهلوی و هم طبقه ایهایش تضاد عمیق دارد، مشکل دارند. این مردم با صدای بلند می گویند که دیگر شاه و رهبر نمیخواهند.

کمپین "به من وکالت بدهید" یعنی اینکه شما انقلاب بکنید، خون بدهید، زندان و شکنجه بشوید و بعد آینده را به من بسپارید تا با بند و بست با دول غربی آینده شما را رقم بزنم. دقیقا همانند سناریویی که در انقلاب ۵۷ اتفاق افتاد و خمینی را توسط رسانه ها با کمک دول غربی و در راس آن امریکا و حمایت لیبرالها و ملی اسلامی ها "رهبر

انقلاب" کردند. معلوم نیست رضا پهلوی چگونه و با چه معیاری به خود حق می دهد که خود را قیم مردم قلمداد کند؟ رضا پهلوی فرزند خاندانی است که دقیقا به دلیل ظلم و ستم شاهی، فقر و فلاکت و زندان و شکنجه سرنگونی کردند. ایشان معلوم نیست با چه رویی و با کدام پشتوانه درخشان و کی اساسا بغیر از طیفی از هواداران این حق را به ایشان داده است که مردم را این چنین مطیع و سر به زیر قلمداد کند که او را رهبر خود به حساب بیاورند! این توهین به مردمی است که هنوز بدلیل اختناق و سرکوب امکان انتخاب آزادانه ندارند.

شرم آور است، کسی که هنوز هیچی نشده و دستش به جایی بند نیست، دارد برای مردم خط و نشان می کشد که خط قرمز من "تمامیت ارضی است". چگونه باید به او و این صف اعتماد کرد که چهار قدم با مردم و توقع و مطالبات واقعی آنان جلو بیایند آنهم در شرایطی که در خارج کشور هر نوع مخالفتی را با توهین و تهدید و حتی حمله فیزیکی بدرقه می کنند. یعنی کسی پایش از خط قرمز آقای پهلوی و هوادارانش متری آنطرفتر برود، لابد با اسلحه و سرکوب جواش می دهند، کاری که جمهوری اسلامی با مردم کردستان و ترکن صحرا کرد. این کمپین و اهداف رضا پهلوی و هوادارانش ارتجاعی و در مقابل انقلاب مردم برای آزادی و برابری قرار دارد. این تمهیدات در عین حال در دل این خیزش انقلابی که به ساختن آینده نیز نگاه دارد آموزنده است. از این نظر که مردم در این تحول انقلابی دستکم تشخیص می دهند که دوستان و دشمنان آنان کیانند. کی در صف انقلاب به نفع مردم عمل می کند و کی به آن ضرر می رساند. این دوره، دوره آزمون جنبشهای اجتماعی، نیروها و احزاب سیاسی و شخصیتهای مربوط به آن نیز می باشد که کجای این تحول قرار دارند و در مورد آینده بعد از جمهوری اسلامی چگونه فکری می کنند.

جواب ما و مردم به تنگ آمده از ستم و استثمار و خط قرمزهای تمامیت ارضی به کمپین رضا پهلوی و هواداران ایشان این هست که "آینده را ما می توانیم بسازیم، احتیاج به وکیل نداریم". رضا پهلوی بدون لقب شاه و سلطنت، رضا پهلوی است که مانند هر شهردی حق دارد اگر متمدن باشد تشکل درست کند، با همفکرانش ائتلاف کند و پلاتفرمش را بیان کند. حرف اثباتی اش را در در مورد حقوق پایه ای کارگران، برابری زن و مرد، آزادی بی قید و شرط سیاسی، کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم، راه حل رفع ستم ملی، رفاه و برابری اقتصادی برای آحاد مردم، آزادی تشکل و دهها مسائل سیاسی و اجتماعی و

## پژاک و «پیماننامه مدینه»

### بازی در زمین جمهوری اسلامی

#### همایون گدازگر

آمد شاهو عضو رهبری پژاک اخیرا در مصاحبه ای تلویزیونی برگ دیگری از نقشه پیش روی این جریان، آنهم در دل تحولات انقلابی اخیر در ایران را افشا کرده است. اشتباه است اگر تبلیغ ارتجاع اسلامی و اسلام ناب محمدی از جانب این جریان را به اعتقادات مذهبی این جریان و افراد آن مربوط دانست. تعریف و تمجید از «پیماننامه مدینه» و تظهير اسلام ناب محمدی نقشه راه و سیاست این جریان در مقابل جنبش رادیکال سرنگونی جمهوری اسلامی است. نقشه راهی که اتفاقا از جانب حزب مادر یعنی پ ک ک در سالهای گذشته در کردستان سوریه عملی شده و یکی از مولفه های سر پا ماندن رژیم بشار اسد بود. در آنجا دم و دستگاه و ماشین سرکوب رژیم بعث سوریه برای در امان ماندن از تعرض مردم معترض توسط پ ک ک و اعمار آن در تبنانی و بده و بستان با رژیم اسد از هرنوع تعرضی دور ماند که خود داستان دیگری دارد.

در پس تبلیغ و ترویج ارتجاعی آمد شاهو عضو رهبری پژاک مبنی بر اینکه «هدف اصلی اسلام راهی بشر است» و یا «اسلحه اسلام را باید از دست رژیم ایران گرفت» و اراجیف فراوان دیگری از این دست، طرح یک توطئه علیه خیزش انقلابی حاضر خوابیده است. هرچند سابقه نه چندان طولانی این جریان در کردستان ایران همواره با ارتجاع اسلامی در پیوند بوده است، اما فرموله و تئوریزه کردن ارتجاع اسلامی در اوضاع سیاسی حاضر هدف مشخص تری را دنبال می کند و بیشتر یادآور تبلیغات جریان داعش و جنایات آن با توجیه دفاع از اسلام ناب محمدی و اسلام راستین است.

تاریخ موجودیت پژاک مملو است از همراهی و باد زدن ارتجاع در منطقه از رواج شیعه گری و پیروی از «عاشقان کربلا» در ماههای محرم تا پشتیبانی و همدستی با جانورانی از قبیل رئیس طریقه کسنزانی و تلاش برای تشکیل کنگره دمکراتیک اسلامی و غیره، پرونده سواری دادن این جریان به مرتجعین منطقه است. پابپای این سیاستهای ارتجاعی، مناسبات گاه و بیگاهشان با جمهوری اسلامی، این جریان را در ذهن افکار عمومی کردستان بعنوان جریانی مشکوک ورد زبان خاص و عام کرده است.

اما نقش مخرب و مزاحم آنها در کردستان در ادامه خیزش انقلابی اخیر نباید از جانب مردم و رهبران خیزش حاضر و احزاب و نهادهای انقلابی و فعالین سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در کردستان دست کم گرفته شود. در شرایطی که جمهوری اسلامی در سرانسیب سقوط قرار گرفته است و آلترناتیوهای مختلف برای جایگزینی آن در حال

تدارک است. بمیدان آوردن جریانات پوسیده اسلامی با هدف ساخت و پاخت با جمهوری اسلامی میتواند مزاحم انقلاب برحق و عدالتخواهانه حاضر شود. بهمین دلیل در پیش گرفتن چنین راه و روش و سیاستهای ارتجاعی در شرایط حاضر از طرف سازمان پژاک با تمایلات همیشگی آنها با ارتجاع مذهبی متفاوت است و باید آن را شناخت.



ظاهر شدن علمای دینی کردستان در اغلب شهرها در طی خیزش انقلابی با ادعای طرفداری از قیام مردم و در واقع برای به بیراهه بردن خیزش آنها، تلاش های حزب دمکرات کردستان ایران برای سازماندهی آخوند و علمای دینی و تشویق آنها برای دخالت در روند سیاسی کنونی، وجود جریان باسابقه مفتی زاده و شاخه های آن و جریان آدمکش سلفی گری همگی می توانند علیرغم اختلافات موجود بین آنها برسر سهم خواهی، به مانع خیزش انقلابی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل شوند و باید در مقابل آنها هوشیار بود.

اما جریان پژاک در کردستان ایران با تکیه بر ارتجاع اسلامی و فروختن «پیماننامه مدینه» به جامعه کردستان و بازی کردن در میدان مذهب توده ها نمی تواند نقش حزب مادر یعنی پ ک ک در سوریه را در کردستان ایران بازی کند.

سابقه سیاسی و تاریخی جامعه کردستان ایران بخصوص از انقلاب ۵۷ به اینطرف با بخش های دیگر کردستان متفاوت است. اسلام سیاسی در کردستان ایران هیچوقت با اقبال و استقبال روبرو نبوده است. بعلاوه در طی خیزش و مبارزات اجتماعی علیه رژیم پادشاهی و جمهوری اسلامی تحركات اجتماعی در کردستان عمدتا چپ و تحزب یافته و دارای تاکتیک، سنت و شیوه های مبارزاتی خاص خود بوده است که با تار و پود جامعه کردستان در ۴۳ سال گذشته در هم تنیده است. این سنت ها در بیش از چهار دهه گذشته با تاسی از جریانات و احزاب چپ و راست در یکدیگر عجین شده اند. اینکه خیزش انقلابی اخیر بدینگونه قاطعانه و گسترده در کردستان خودنمایی کرد، در واقع بخشی از مبارزه جویی این سنت های جاافتاده در جامعه کردستان را با خود داشت.

احزاب و جریانات سیاسی جامعه حزبیبت یافته کردستان در خیزش انقلابی ای که ضدیت با مذهب و عملکردهای ویرانگر آن یکی از خصیصه های آن است در هم آمیخته اند. بخصوص چپگرایی و عدالتخواهی در پرتو این تاریخ مبارزاتی در برآمد انقلابی اخیر در کردستان دست بالا را دارد.

جریان پژاک با این تاریخ و این سنتها بیگانه و به آن بی

## آینده را ما می توانیم بسازیم،

### وکیل نمی خواهیم ...

آموزشی و فرهنگی که مردم از آن رنج می برند، شفاف بزند تا مردم بدانند ایشان کجای این تحول قرار دارند و چقدر با اهداف انقلابی و نیازهای پایه ای مردم مطابقت دارند.

در هر حال ما با یک تحول انقلابی و تاریخساز در ایران روبرو هستیم و جنبشهای اجتماعی مختلف با منفعتهای مختلف در این تحول انقلابی حضور دارند. راست بورژوازی پرو غرب و طیفهای رنگارنگ آن، از جمله رضا پهلوی و سلطنت طلبان و مشروطه خواهان با هر تفاوتی که داشته باشند نهایتاً یک جنبش و خواهان حذف آخوند و ولایت فقیه و حفظ نظم سرمایه داری با ابزارهای حفظ این نظم وارونه هستند. رضا پهلوی که دو آتش و صریح از سپاه و بسیج دفاع میکند. در مقابل جنبش چپ و سوسیالیستی با احزاب و سازمانهای متعلق به این جنبش که نیروی اصلی آن طبقه کارگر، زحمتکشان، زنان انقلابی و جوانان و فعالین و رهبران این جنبشها می باشد و حضور فعال در میدان مبارز دارند، خواهان نابودی ماشین سرکوب اند. ما به این دومی تعلق داریم و برای پیروزی این جنبش و حاکمیت شورایی مردم در مقابل حاکمیت پارلمان بورژوازی تلاش می کنیم. جامعه حیات خلوت رضا پهلوی و امثالهم نیست که بتازند و حکومت را به راحتی قبضه کنند. تجارب دو حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی آموزه های زیادی برای مردم داشته است. کمونیسسم و آزادیخواهی جنبشی قوی و سنت دار در جامعه ایران است. تحول انقلابی در ایران به این اهداف بسیار نزدیک و همخوانی دارد و شانس پیروزی دارد.

\*\*\*



## پژاک و «پیماننامه مدینه»

### بازی در زمین جمهوری اسلامی ...

ربط است. موجودیت و منشا و سابقه تاریخی آن ربطی به مبارزات توده ای - اجتماعی مردم کردستان در ۴-۵ دهه گذشته ندارد. در نتیجه ساخت و پاخت گاه و بیگاه و آشکار و نهان آن با جمهوری اسلامی و یا پهن کردن پلانفرمهای ارتجاعی از قبیل "پیماننامه مدینه" در مقابل خروج خیزش رادیکال فعلی تاب نخواهد آورد.

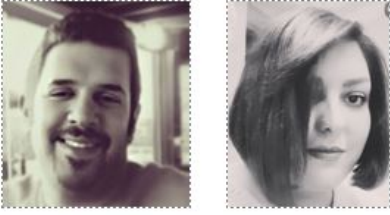
با اینحال نگاهی به صف بندیهای راست در روزهای اخیر در سطح سراسری و محلی، حکایت از تلاش جریانات اپوزیسیون پرو غربی برای تلاش و همکاری با جریانات مذهبی مخالف جمهوری اسلامی دارند. تا به این وسیله با توطئه و تبانی با جمهوری اسلامی مانع سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی بدست توده های بجان آمده و جوانان انقلابی بشوند. افشا و طرد و ایستادن در مقابل این طرحهای ارتجاعی چه در کردستان و یا سطح سراسری وظیفه همه احزاب و تشکل و نهادهای آزادیخواه و چپ و کمونیست است. قطعاً روند رو به پیش خیزش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی نقش اساسی و قطعی در خنثی کردن این توطئه ها خواهد داشت. اتحاد و همبستگی طبقه کارگر و مردم زحمتکش و انقلابی ضامن خنثی کردن این تهدیدات ارتجاعی است.

۱۰ بهمن ۱۴۰۱ - ۳۰ ژانویه ۲۰۲۳

**"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد".**

منصور حکمت

**آزادی، برابری، رفاه همگانی!**



## ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

**تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر**

**اعتصاب سراسری کارگران در فرانسه**

**آکسل پرسون، سخنگوی اتحادیه س ژ ت در مصاحبه با تلویزیون فرانسه**

دولت فرانسه تلاش دارد که با طرح تغییر سیستم بازنشستگی از طریق بالا بردن سن بازنشستگی در میان مزد بگیران و کارگران به اجرا در آورد. بر اساس این تصمیم قرار است که سن بازنشستگی از ۶۲ به ۶۴ سال تغییر یابد. مسئله دیگر اینکه قوانین عمومی بازنشستگی در برخی گروههای شغلی دارای ویژگی های خاص خود میباشد. مثلا رانندگان لوکوموتیو در راه آهن از ۵۲ سالگی بازنشسته می شوند. ولی اکنون دولت تصمیم دارد که این را به سن ۵۴ تغییر دهند. دولت و کارفرمایان می خواهند که مزد بگیران در بخش خدمات عمومی و مراکز خصوصی دوسال بیشتر کار کنند.

جنبش کارگری حمله به این قوانین را تحمل نخواهد کرد و ما کاملا مخالف این دست درازی دولت و این دوسال اضافی هستیم. ما می خواهیم با مبارزتان بر مرگ پیروز باشیم تا اینکه در اختیار سرمایه داران باشیم و عمری کوتاه تری داشته باشیم. مبارزه ما زمانی پیروز خواهد شد که بتوانیم کاپیتالیسم را به گور بسپاریم.

ما معتقدیم که فرانسه اکنون در سال ۲۰۲۳ بسیار از سال ۱۹۴۵ که سیستم کنونی بازنشستگی پایه گذاری گردید ثروتمندتر است و در نتیجه هیچ دلیل قابل قبولی برای اینکه ما مدت طولانی تری کار کنیم و دچار فرسودگی شویم وجود ندارد. در حالیکه از ثمره رنج کار ما، بهره وری، تولید ناخالص ملی، سودآوری، سود سهام و سهام داران سودهای غیرنقدیشان به نسبت سال ۱۹۴۵ دوبرابر شده است. با توجه به همه اینها، منابع ثروت افزایش بیشتری به نسبت گذشته کرده و یک رفرم کامل میتواند سن بازنشستگی را باز هم کمتر کند.

روز ۱۹ ژانویه بیشتر از دو میلیون کارگر که بخش ها و رشته های مختلف را شامل می شد در سراسر فرانسه اعتصاب نمودند. روز ۳۱ ژانویه هم یک اعتصاب عمومی در راه است. اتحادیه س ژ ت تصمیم دارد که اعتصاب های بیشتر در همه رشته های کاری به راه بیفتد. چرا که یک اعتصاب سراسری می تواند کشور را فلج کند طوریکه دولت را مجبور به عقب نشینی کند.

مترجم: پروین کابلی

ما برای رفقایمان و جنبش کارگری در فرانسه آرزوی پیروزی می کنیم. پیروز شما نقش موثری در تقویت جنبش کارگری ایران خواهد داشت. زنده باد همبستگی کارگری!

**اعتصاب سه روزه کارگران فولاد سیرجان**

کارگران فولاد سیرجان، روزهای دوشنبه و سه شنبه و چهارشنبه هفته جاری در اعتراض به دستمزد پایین و تبعیض در پرداخت آن اعتصاب کردند.

**زلزله خوی، ۱۰ درصد از خانوارهای خوی بی خانمان شدند**

رئیس بنیاد مسکن اعلام کرده است: ۹ هزار و ۲۵۰ خانه در جریان زلزله خوی آسیب دیدند. بیش از هزار و ۷۰۰ خانه تخریب شدند و بیش از هفت هزار خانه خسارت دیدند. این رقم بیش از ده درصد مجموعه خانوارهای خوی و اطراف را شامل میشود که طی زلزله در سرمای شدید سرپناه خود را از دست دادند و بی خانمان شدند.

**اجرای حکم شلاق یک زندانی بلوچ در ملام**

جمهوری اعدام و شلاق اسلامی یک زندانی بلوچ را که گفته می شود جرم او سرقت بوده است، در ملام شلاق زد. همان ها که این مردم را از داعش می ترسانند، در خیابان ها حد الهی جاری می کنند و در زندان بساط تجاوز و شکنجه برپا کرده اند.

**اعتراضات بلوچستان**

امروز جمعه ۱۴ بهمن ماه، معترضان در خیابان های زاهدان راهپیمائی کردند و شعارهای: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "این همه سال جنایت مرگ بر این ولایت"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر" سر دادند. در یکی از پلاکاردهای معترضان این شعار نوشته شده بود: "اعدام بلوچ یعنی سرنگونی نظام!"

**بازداشت های گسترده در آبدانان**

مردم آبدانان در در چهارشنبه شب شهر را تسخیر کردند، مجسمه مزدوران حکومت را پائین کشیدند. پنجشنبه شب مزدوران حکومتی و امنیتی در خانه گردی دست به بازداشت و ربودن جوانان زدند. تاکنون اسامی: "مجید میرزائی، علی صفر میروسی، عبدالله جامی، ذبیح جمادی، امیر حسین نامدارپور" منتشر شدند. معلوم نیست کدام نهاد حکومتی دست به این بازداشتها زده و تاکنون خانواده ها از محل بازداشت فرزندان شان مطلع نیستند. دادستان ایلام از بازداشت ۱۰ تن از معترضان آبدانانی و زخمی شدن ۵ تن، در پی حضور در اعتراضات شب گذشته این شهر خبر داد. همینطور چهارشنبه شب ۱۲ بهمن، مزدوران حکومتی به منزل خانودگی یوسف (شورش) نظری، از فعال آبدانانی حمله مسلحانه کردند.

**کارگران آبفای مشکین شهر دست به اعتصاب زدند**

روز شنبه ۸ بهمن ماه، کارگران آبفای مشکین شهر در

## ستون اخبار کارگری

### و حرکتهای اعتراضی ...

آذربایجان غربی و تهران دست به تجمع زدند. این بازنشستگان خواستار رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای دقیق آیین نامه ۸۹/۲۴ و برکناری مدیران شرکت مخابرات به خاطر عدم اجرای وعده ها و پرداخت مطالبات در گذشته شدند.

#### ۱۰ سال حبس « برای توی کوچه رقصیدن »

آستیاز حقیقی متولد ۱۳۸۰ و نامزدش امیرمحمد احمدی متولد ۱۳۷۹، دو بلاگر در فضای مجازی صبح روز دهم آبان ماه همراه با ضرب و شتم در منزل شخصی خود توسط مأمورین لباس شخصی بازداشت شده و به بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات منتقل شده‌اند. در طی این سه ماه خانواده این دو نفر تحت فشار نیروهای امنیتی سکوت کرده‌اند. بازداشت آستیاز و امیرمحمد در پی انتشار کلیپ رقصیدنشان در نزدیکی میدان آزادی در پیچ شخصیشان اتفاق افتاده است.

دادگاه آنها در شعبه ۱۵ به ریاست جانی صلواتی، برای بررسی اتهامات تشویق به فساد و فحشا، اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه نظام برگزار شده و در نهایت هر کدام به ده سال و نیم حبس تعزیری، دو سال ممنوعیت استفاده از فضای مجازی و دو سال ممنوع‌الخروجی از کشور، محکوم شده‌اند. قابل ذکر است که در این دادگاه، آستیاز حقیقی توسط صلواتی مورد تهدید و تحقیر قرار گرفته است. از ابتدای بازداشت این دو نفر تا به امروز با تبدیل قرار بازداشت موقت آنها به قرار وثیقه موافقت نشده است و از حق داشتن وکیل در دادگاه نیز محروم بوده‌اند.

تداوم استرس دانش‌آموزان دبیرستان خمینی، فردیس و ناحیه دو کرج بعد از دستگیری ۴ تن از دانش‌آموزان محمدرضا محمدی، حمیدرضا کاظمی، حسین طاهرآبادی و بهنام رحیمی، در دبیرستان فردیس شهرک ارم، ناحیه دو کرج و حاکم شدن جو امنیتی در کوچه‌های منتهی به مدرسه، متأسفانه روز یکشنبه دانش‌آموز دیگری به نام هادی قنبرلو، دانش‌آموز پایه‌ی دوازدهم انسانی، دستگیر شد. یک روز بعد یعنی دوشنبه، همه‌ی دانش‌آموزان دوازدهم انسانی بدلیل ترس در مدرسه حاضر نشدند و مدیر به تک تک اولیا زنگ زده است و والدین و دانش‌آموزان را احضار کرده است. بر اساس این گزارش، معلم دین و زندگی آنها به اسم علیپور، در کلاس‌ها به صراحت گفته است که قرار بر این است که هر روز دو نفر دستگیر شود. این تهدید باعث استرس اکثر دانش‌آموزان در ایام امتحانات شده است. همچنین مدیر مدرسه در کانال مدرسه اعلام کرده که مدرسه در روز چهارشنبه ۱۲ بهمن، حضوری بوده و غیبت در روز چهارشنبه منجر به گرفتن نمره صفر در امتحان بعدی خواهد شد. این وضعیت منجر به ایجاد نگرانی در بین دانش‌آموزان شده است. ظاهراً مدیر و تعدادی از کادر مدرسه قصد دارند که با این پیام دانش‌آموزان رو به مدرسه کشانده تا در اختیار مأموران امنیتی قرار دهند، چرا که معلم دین و زندگی، بارها دانش‌آموزان را تهدید کرده است که «دهان باز کنید عین لاک پشت از بالا خواهید افتاد».

#### بازداشت داوود حبیبی، کارگر شهرداری تهران

براساس گزارش‌های منتشرشده، چهارشنبه ۵ بهمن‌ماه، مأموران امنیتی به اتاق کارگران شهرداری منطقه ۱ تهران (واقع در خیابان آجودانیه) حمله کرده و داوود حبیبی، کارگر اهل سنندج را ربوده‌اند.

اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه‌شان دست به اعتصاب زده و در سر کار حاضر نشدند. ۲۸ نفر از کارگران آبفای مشکین شهر با عناوین شغلی لوله کش، کلرزن و کنتورنویس که در روستاهای شهرستان کار می‌کنند بالغ بر ۹ ماه حقوقی دریافت نکردند. چندی پیش سلطانی مدیرعامل آبفای استان اردبیل به کارگران وعده داد که حقوق معوقه در کمتر از یک هفته پرداخت خواهد شد اما این وعده نیز همانند گذشته تحقق نیافت.

#### اعتصاب کارگران کارخانه مس فلز رنگین

سه‌شنبه ۱۱ بهمن کارگران کارخانه «مس فلز رنگین» در شهر بابک استان کرمان در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به اعتصاب زده و تجمع برپا کردند. این اعتصاب چندین روز است که ادامه دارد و کارگران با زدن چادر و تجمع شبانه اعتراض‌شان را ادامه می‌دهند.

#### تجمع اعتراضی پرستاران در شیراز

روز دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۱ جمعی از پرستاران شیراز در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به تجمع زدند.

#### تجمع پرسنل بانک پارسیان مقابل بانک مرکزی

چهارشنبه ۱۲ بهمن شماری از پرسنل بانک پارسیان، بزرگترین بانک خصوصی ایران، مقابل بانک مرکزی تجمع کردند. پیشتر هم پرسنل بانک پارسیان در اعتراض به حقوق و مزایای دریافتی در مقابل ساختمان این بانک واقع در شهرک غرب به نشانه اعتراض دست به تجمع زده بودند.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان مس سرچشمه در تهران

روز دوشنبه ۱۰ بهمن‌ماه، جمعی از بازنشستگان مس سرچشمه در اعتراض به انتقال صندوق مس بدون رضایت سهامداران به زیرمجموعه وزارت رفاه دست به تجمع زدند. این بازنشستگان می‌گویند: امروز در تهران مقابل دفتر شرکت ملی صنایع مس ایران در خیابان ولیعصر جمع شدیم؛ در کرمان نیز بازنشستگان مقابل دفتر اصلی کارخانه تجمع کرده‌اند. این بازنشستگان مطالبه اصلی خود را حفظ استقلال صندوق بازنشستگی مس می‌دانند و می‌گویند: در تاریخ پنج اسفند ۱۴۰۰، صندوق مس را بدون رضایت سهامداران به زیرمجموعه وزارت رفاه منتقل کردند؛ این در حالیست که صندوق و تمام دارایی‌های آن متعلق به ما بازنشستگان است و از محل اندوخته‌ی سالیان ما ایجاد شده است.

#### تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات سراسر کشور

روز دوشنبه ۱۰ بهمن‌ماه، جمعی از بازنشستگان مخابرات در استانهای یزد، اصفهان، خراسان، ایلام، کرمانشاه، کردستان، گیلان، خوزستان،

## ستون اخبار کارگری

### و حرکتهای اعتراضی ...

بدوی. می‌ارزید به احساس تعلق به یک جمع بزرگ قدرتمند که در تلاش هست تا سرنوشتش را دست خودش بگیرد».

#### محاکمه رفیق سلیمی از زندانیان سیاسی سنندج

روز شنبه ۸ بهمن‌ماه جلسه محاکمه رفیق سلیمی از بازداشت‌شدگان اعتراضات مردمی در سنندج در شعبه دادگاه کذابی این شهرستان برگزار شد. در این جلسه رفیق سلیمی از سوی جلالیان‌فر معاون دادستان استان کردستان به اتهام مفسد فی‌الارض متهم شده است. با وجود طرح چنین اتهامی خطر صدور حکم اعدام برای او بسیار جدی است. رفیق سلیمی روز هفتم آذرماه توسط مأموران وزارت اطلاعات بازداشت شد و در تاریخ ۲۸ دی‌ماه به زندان مرکزی سنندج منتقل شده است.

#### محکومیت سهند مرتضوی به ۳ سال حبس تعزیری

سهند مرتضوی دانشجوی مهندسی شیمی دانشگاه تهران ورودی ۹۷ که در روز ۳۱ شهریور بازداشت شده بود در شعبه ۲۶ دادگاه فرمایشی به ریاست افشاری به ۳ سال حبس تعزیری که به مدت ۵ سال به حالت تعلیق درآمد است، منع خروج از کشور و منع استفاده از شبکه‌های مجازی و تلفن هوشمند به مدت سال‌های تعلیق و حضور به موقع بر سر مزار "کشته‌شدگان رژیم" در قطعه ۵۰ از بهشت زهرا، سه نوبت در صبح جمعه از ساعت ۶ الی ۷ با تایید و نظارت حراست بنیاد "کشته‌شدگان" و امور ایثارگران تهران، محکوم شد.

#### محکومیت امیررضا دوزنده به ۳ سال حبس

امیررضادوزنده دانشجوی رشته جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران و مدیرمسئول نشریه دانشجویی ضد، توسط دادگاه کذابی ساری به ۳ سال حبس، ۲ سال تبعید، ۲ سال ممنوع‌الخروجی و ۲ سال محرومیت از فعالیت مجازی محکوم شد.

#### پیروز نامی محکوم شد

پیروز نامی، که پیش‌تر در دادگاه غیابی به یکسال زندان تعزیری محکوم شده بود، دیرروز همراه وکیل خود فرزانه زیلابی برای واخواهی به "دادگاه فرمایشی" مراجعه کرده بود، بدون برگزاری دادگاه و بدون توجه به لایحه دفاعیه وکیل مدافع و مستندات ارائه شده توسط احسان ادیب مهر قاضی دادگاه کذابی شعبه یک اهواز تایید شد و همان حکم یک سال حبس تعزیری و دو سال ممنوعیت از فعالیت تشکیلاتی و دو سال ممنوعیت از خروج کشور صادر شد. پیش‌تر نیز رتبه‌بندی آقای نامی با دستور شفاهی مقامات اداری از حکم کارگزینی نامبرده حذف شده بود.

#### ممانعت‌گزینش از استخدام پیمانی محمد دارکش

مدیر هسته‌گزینش منطقه ۱۶ طی نامه‌ای با استخدام پیمانی محمد دارکش مخالفت کرده است. در اواسط آبان گزینش شهر تهران طی تماسی با این معلم به او اعلام کرد که باید در جلسه گزینش شرکت کنی و پس از تشکیل جلسه گزینش، سوالات این نهاد درباره حضور این معلم در تحصن و اعتراضات معلمی بود؛ به خصوص با

#### جانباختن سه کارگر شهرداری

طی هفته جاری، سه کارگر شهرداری زنجان، کرج و بندرعباس که حین کار توسط وسایل نقلیه زیر گرفته شده بودند، جان خود را از دست دادند.

#### بازداشت کامران آسا توسط نیروهای امنیتی

کامران آسا معلم اهل کرمانشاه، ظهر روز سه‌شنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۴۰۱ در پاساژ "گلستان" کرمانشاه توسط نیروهای امنیتی ربوده شد. در جریان یورش نیروهای حکومتی که ۸ نفر بوده‌اند، تلفن همراه همسر آقای آسا و اطرافیان نیز ضبط شده است. تاکنون از سرنوشت کامران آسا پس از ربوده شدن توسط نیروهای امنیتی اطلاع دقیقی در دسترس قرار نگرفته است. وی برادر کیانوش آسا دانشجوی دانشگاه علم و صنعت و فعال زیست محیطی است که در جریان اعتراضات خرداد ۱۳۸۸ تهران، توسط سرکوبگران کشته شد.

#### پوران ناظمی فعال مدنی بازداشت شد

روز چهارشنبه ۱۲ بهمن، نیروهای امنیتی پوران ناظمی فعال مدنی را که اخیراً از زندان آزاد شده بود، در بیمارستان مهرگان کرمان بازداشت کرده و به مکانی نامعلوم منتقل کردند.

#### احکام صادره علیه نازیلا معروفیان

نازیلا معروفیان، روزنامه‌نگار در توییتر خود خبر داده که بر اساس رای شعبه ۲۶ دادگاه کذابی به ریاست افشاری، با اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام و نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی از طریق انتشار مصاحبه با پدر مهسا امینی به ۲ سال حبس تعزیری، ۱۵ میلیون تومان جریمه و ۵ سال ممنوع‌الخروجی از کشور محکوم شده است. نازیلا معروفیان ۲۳ ساله و اهل سقز در استان کردستان و روزنامه‌نگار «رویداد ۲۴» است. او بعد از انتشار مصاحبه‌اش با امجد امینی، پدر مهسا امینی در تاریخ هشتم آبان ماه سال جاری در منزل یکی از دوستانش در تهران بازداشت شده بود. نازیلا معروفیان پس از بازداشت به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد و بعد از مدتی نیز به زندان قرچک ورامین منتقل شد. مصاحبه نازیلا معروفیان با پدر مهسا امینی در وبسایت «مستقل‌آنلاین» منتشر شده بود. این مصاحبه سپس بدون ارائه هیچ توضیحی از وبسایت این خیرگزاری حذف شد.

#### احکام صادره علیه سروناز احمدی

سروناز احمدی در دادگاه بدوی، به ریاست قاضی جنایتکار صلواتی، مجموعاً به ۶ سال حبس محکوم شد. حکم صادر شده علیه او، ۵ سال بابت اتهام اجتماع و تبانی و ۱ سال برای اتهام تبلیغ علیه نظام است. وی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «شش سال زندان گرفتیم در دادگاه



## تاریخ شکست نخوردگان

### چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷

منصور حکمت



نمیکنید، اینها دارند به جنگ می‌آیند، به جنگ "سرزمین" و "اردوگاه" و "قلعه" خود، یا بهرحال آنچه خود روزگاری چنین پنداشته و نامیده بودند. اینها دارند برای انتقام از "خود" و "خودی" های دیروز برمیگردند. برای کسی که از داخل قلعه به بیرون نگاه میکند، این حتما منظره هولناکی است.

کمتر انقلاب ناکام و جنبش شکست خورده ای چنین تلخ توسط مشتاقان دیروزش بدرقه شده است. انقلاب مشروطیت، جنبش ملی شدن صنعت نفت، دوران حکومت آئنده، انقلاب پرتقال، اعتصاب معدنچیان انگلستان، برای مثال، همواره احترام زیادی نزد پیش کسوتان و شرکت کنندگان خود داشته اند. علت نو اندیشی امروز انقلابیون دیروز ایران را باید جای دیگری جستجو کرد. واقعیت اینست که همین سالها، سالهای پس از انقلاب ۵۷، در سطح جهانی مصادف با رویداد به مراتب مهمتری بود. سقوط بلوک شرق، که این اواخر دیگر فقط در تبلیغات عوام فریب ترین سخنگویان پیمانهای ورشو و ناتو و هالوترین طرفدارانشان به آن "اردوگاه سوسیالیسم" اطلاق میشد، یک زلزله سیاسی و اجتماعی بود که کل دنیا را تکان داد. نفس حذف یک قطب از جهانی دو قطبی، جهانی که همه چیزش، از اقتصاد و تولید تا علم و هنر، برای دهها سال بر محور تقابل این دو قطب شکل گرفته بود، به اندازه کافی زیر و رو کننده بود. اما آنچه در قلمرو افکار و اندیشه تعیین کننده بود، این واقعیت بود که حاکمان جهان و گله وسیع سخنگویان و مبلغین جیره خوارشان در دانشگاه ها و رسانه ها، توانستند سقوط شرق را سقوط کمونیسم و پایان سوسیالیسم و مارکسیسم تصویر کنند. کل این شعبده بازی البته بیش از شش سال بطول نیانجامید و تمام شواهد امروز حاکی از اینست که این دوران فریب دیگر به سر رسیده است. اما این شش سال دنیا را تکان داد. این پایان سوسیالیسم نبود، اما سرخی بود به اینکه پایان سوسیالیسم واقعا چه کابوسی میتواند باشد و دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود. معلوم شد جهان، از حاکم و محکوم، سوسیالیسم را با تغییر نداعی میکند. پایان سوسیالیسم را پایان تاریخ خواندند. معلوم شد پایان سوسیالیسم پایان توقع برابری است، پایان آزاد اندیشی و ترقی خواهی است، پایان توقع رفاه است، پایان امید به زندگی بهتر برای بشریت است. پایان سوسیالیسم را حاکمیت بلامنازع قانون جنگل و اصالت زور در اقتصاد و سیاست و فرهنگ معنی کردند. و بلافاصله فاشیسم، راسیسم، مرد سالاری، قوم پرستی، مذهب، جامعه ستیزی و زورگویی از هر منفذ جامعه بیرون زد.

موج "نو اندیشی" ای که بدنبال این ماجرا در سطح کل جهان براه افتاد دیدنی بود. در یک مسابقه بین المللی ندامت و خودشیرینی، فضایل دیروز عار شمرده شدند، اصول دیروز نفرین شدند و آرمانهای دیروز به ریشخند گرفته شدند. حقارت و تسلیم بعنوان معنی زندگی به کرسی نشست. در فرهنگ توأبیت روشنفکران نظم نوین، هرکس که زندگی بهتری برای هموعانش میخواست و معتقد بود که وضع موجود میتواند و باید تغییر کند، هرکس که به برابری انسانها قائل بود و

میگویند در سالهای اخیر یک روند "بازبینی" و "بازنگری" در بین انقلابیون و چپگرایان اپوزیسیون ایران در جریان بوده است. نگاهی به نشریات متعددی که این طیف بویژه در خارج کشور منتشر میکند به وجود چیزی از این دست صحنه میگذارد، هرچند در اینکه "بازبینی" کلمه مناسبی برای توصیف این روند باشد جای تردید جدی هست. در خلوت، وقتی بیان حقیقت کسی را نمیرنجاند، میتوان این روند را یک روند ندامت توصیف کرد. اما در انظار عموم، جایی که، بویژه این روزها، نزاکت سیاسی (Political Correctness) حکم میراند، شاید کلمه "نو اندیشی" معادل بهتری باشد. یکی از اولین قربانیان این روند نو اندیشی مقوله انقلاب و انقلابیگری بطور کلی و انقلاب ۵۷ بطور اخص بوده است.

هر ماه کوهی مطلب توسط افراد و محافل و جریانات متشکل از بازماندگان و انقلابیون پا به سن گذاشته انقلاب ۵۷ منتشر میشود. خواندن و تعقیب کردن همه اینها و شریک شدن در مشغله ها و دنیاهاهی ذهنی نویسندگان آنها هم عبث و هم بسیار دشوار است. اما دیدن روند "نو اندیشی" که ذکرش رفت سخت نیست. میتوان از شیوه "نداعی معانی" که یک ابزار روانشناسی است سود جست و عکس العمل این ادبیات را به کلمات کلیدی ای، مثلا خود مقوله انقلاب، چک کرد. تصویری که بدست می آید جای ابهام باقی نمیگذارد. انقلاب: افراط، انقلاب: خشونت، انقلاب: استبداد، انقلاب: انهدام.

و چرا که نه؟ آخر چه کسی از این بازماندگان انقلاب ۵۷ هست که بتواند یک لحظه چشمانش را ببندد و به ۱۷ سال گذشته فکر کند و خاطرات شیرینی به یادش بیاید؟ میلیونها مردم به زندگی در ارتجاعی ترین و وحشیانه ترین نظام اجتماعی محکوم شدند، جامعه ای مبتنی بر ترس، فقر و دروغ بنا شد که در آن خوشی ممنوع است، زن بودن جرم است، زندگی کردن جزا است و فرار غیر ممکن است. یک نسل کامل، شاید نیم بیشتر مردم، اصلا به این جهنم چشم گشوده اند و جز این خاطره ای ندارند. و برای بسیاری دیگر، زنده ترین خاطره، یاد چهره های فراموش نشدنی انسانهای پاک است که بخون کشیده شدند. مگر نه اینست که نقطه آغاز این کابوس سال ۵۷ بود، سال انقلاب؟

شاید برای بعضی عاقبت نافرجام انقلاب ۵۷ در این روند "نو اندیشی" نقش داشته است. اما نه وسعت این ندامت و نه تلخی لحن و هیستری نواندیشان امروز، هیچیک را نمیتوان با ناکامی انقلاب ۵۷ توضیح داد. انگار کنار پلی نشسته اید و بازگشت لشکر شکست خورده ای را میبینید. غیر قابل انتظار نیست که این شکست خوردگان را محزون، میهوت، ساکت و افسرده ببابید. اما این جماعت مشت گره کرده اند. وقتی دقیق تر گوش میکنید، میبینید انگار دارند سرودی را زمزمه میکنند، آری، اشتباه

## تاریخ شکست نخوردگان

### چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷...

به یک آینده بهتر دعوتشان میکرد، هرکس که از لزوم تلاش جمعی آنها برای تأثیرگذاری بر سرنوشت و سهمشان در جهان سخن میگفت، هرکس که دولت و جامعه را در قبال فرد و آسایش و آزادی او مسئول میدانست، از هزار و یک تریبون، خوشخیال، قدیمی، کم عقل و پا در هوا لقب گرفت. یاس نشان خرد شد، رها کردن آرمان های والای بشری واقع بینی و درایت خوانده شد. ناگهان معلوم شد که هر ژورنالیست تازه استخدام و هر استادیار تازه به کرسی رسیده و هر سرهنگ بازنشسته پاسخ گولهای فکری جهان مدرن، از ولتر و روسو تا مارکس و لنین، را دارد و کل معضل آزادیخواهی و برابری طلبی و تلاشهای صدها میلیون انسان در چند قرن اخیر، جز اتلاف وقت بیحاصلی در مسیر رسیدن به عمارت با شکوه "پایان تاریخ" نبوده است و باید هرچه زودتر به فراموشی سپرده شود.

در متن این فضای بین المللی است که انقلابیون دیروز به "باز اندیشی" پیرامون انقلاب ۵۷ و انقلابیگری بطور کلی نشسته اند؛ و نتایجی که گرفته اند بیش از آنکه از ناکامی انقلاب ۵۷ ناشی بشود، مدیون روند تمسخر ایده آله و اصول در مقیاس بین المللی است که چند سالی به مد روز بدل شد.

گفته اند که تاریخ را همواره فاتحین می نویسند. اما باید افزود که تاریخی که شکست خوردگان می نویسند به مراتب دروغین تر و مسموم تر است. چرا که این دومی جز همان اولی در لباس تعزیه و نوحه و تسلیم و خودفروبی نیست. اگر تاریخ داستان تغییر است، آنگاه تاریخ واقعی تاریخ شکست نخوردگان است. تاریخ جنبش و مردمی است که همچنان تغییر میخواهند و برای تغییر تلاش میکنند. تاریخ کسانی است که حاضر نیستند ایده آله و امیدهای خود برای جامعه بشری را دفن کنند. تاریخ مردم و جنبشهایی است که در انتخاب اصول و اهداف خویش مخیر نیستند و ناگزیرند برای بهبود آنچه هست تلاش کنند. انقلاب ۵۷ در تاریخ فاتحین و شکست خوردگان هر دو، پله ای در عروج اسلام و اسلامیت و مسیب شرایطی است که امروز در ایران حاکم است. در تاریخ واقعی، اما، انقلاب ۵۷ جنبشی برای آزادی و رفاه بود که در هم کوبیده شد.

مصائب دوران پس از انقلاب در ایران را باید بیای مسببین آن نوشت. مردم حق داشتند رژیم سلطنت و تبعیض و نابرابری و سرکوب و تحقیری را که شالوده آن را تشکیل میداد نخواهند و به اعتراض برخیزند. مردم حق داشتند که آخر قرن بیستم شاه نخواهند، ساواک نخواهند، شکنجه گر و شکنجه گاه نخواهند. مردم حق داشتند در برابر ارتشی که با اولین جلوه های اعتراض کشتارشان کرد دست به اسلحه ببرند. انقلاب ۵۷ حرکتی برای آزادی و عدالت و حرمت انسانی بود. جنبش اسلامی و دولت اسلامی نه فقط محصول این انقلاب نبود، بلکه

سلاحی بود که آگاهانه برای سرکوب این انقلاب، هنگامی که ناتوانی و زوال رژیم شاه دیگر مسلح شده بود، به میدان آورده شد. برخلاف نظرات رایج، جمهوری اسلامی وجود خود را در درجه اول مدیون شبکه مساجد و خیل آخوندهای جزء نبود. منشاء این رژیم قدرت مذهب در میان مردم نبود، قدرت تشیع، بیعلاقگی مردم به مدرنیسم و انزجارشان از فرهنگ غربی، سرعت بیش از حد شهرنشینی و کمبود "تمرین دموکراسی"، و غیره نبود. این خزعبلات ممکن است ببرد کاربرد شغلی "شرق شناسان" نیم بند و مفسرین رسانه ها بخورد، اما سرسوزنی به حقیقت ربط ندارد. جریان اسلامی را همان نیروهایی به جلوی صحنه انقلاب ۵۷ کشیدند که تا دیروز زیر بغل رژیم شاه را گرفته بودند و ساواکش را تعلیم میدادند. آنها که پتانسیل رادیکالیزاسیون و دست چپی از آب در آمدن انقلاب ایران را میشناختند و از اعتصاب کارگران صنعت نفت درس خود را گرفته بودند. آنها که به یک کمربند سبز در کش و قوسهای جنگ سرد نیاز داشتند. برای "اسلامی" شدن انقلاب ایران پول خرج شد، طرح ریخته شد، جلسه گرفته شد. هزاران نفر، از دیپلماتها و مستشاران نظامی غربی تا ژورنالیستهای همیشه باسرف دنیای دموکراسی ماهها عرق ریختند تا از یک سنت عقب مانده، حاشیه ای، کپک زده و به انزوا کشیده شده در تاریخ سیاسی ایران، یک "رهبری انقلاب" و یک آلترناتیو حکومتی برای جامعه شهری و تازه - صنعتی ایران سال ۵۷ بسازند. آقای خمینی نه از نجف و قم و در راس خیل ملاهای خر سوار دهات سر راه، بلکه از پاریس آمد و با پرواز انقلاب. انقلاب ۵۷ تجسم اعتراض اصیل مردم محروم ایران بود، اما "انقلاب اسلامی" و رژیم اسلامی محصول جنگ سرد بود، محصول مدرن ترین معادله سیاسی جهان آن روز. معماران این رژیم، استراتژیستها و سیاست گذاران قدرتهای غربی بودند. همانها که امروز از درون لجنزار نسبی گرایی فرهنگی، هیولای مخلوق خودشان را به عنوان محصول طبیعی "جامعه شرقی و اسلامی" و درخور مردم "جهان اسلام" یکبار دیگر مشروعیت میبخشند. کل امکانات اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی غرب برای ماهها قبل و بعد از بهمن ۵۷ برای به کرسی نشاندن این رژیم و سر پا نگاهداشتن آن بسیج شد.

اما اینکه نفس اجرای این مهندسی اجتماعی در ایران مقدور شد، مدیون اوضاع و احوال و نیروهای سیاسی و اجتماعی داخل ایران بود. ماتریال کافی برای این کار فراهم بود. حرکت اسلامی در همه کشورهای منطقه وجود داشته است. اما تا رویدادهای ایران در هیچ مقطعی این جنبش به یک جریان سیاسی قابل اعتنا و یک بازیگر اصلی در صحنه سیاسی این کشورها بدل نشده بود. (ضد) انقلاب اسلامی را نه به نیروی ناچیز حرکت اسلامی، بلکه روی دوش سنتهای سیاسی اصلی اپوزیسیون ایران ساختند. ضد انقلاب اسلامی را روی دوش سنت ملی و باصطلاح لیبرالی جبهه ملی ساختند که از کارگر و کمونیست بیش از هر چیز هراس داشت و تمام عمرش را زیر شل سلطنت و عیای مذهب به جویدن ناخنهایش گذرانده بود. سنتی که در تمام طول تاریخش قادر نشد حتی یک تعرض نیم بند سکولار به مذهب در سیاست و فرهنگ در ایران بکند. سنتی که رهبران و شخصیتهایش جزو اولین بیعت کنندگان با جریان اسلامی بودند. ضد انقلاب اسلامی را روی دوش سنت حزب توده ساختند که ضد - آمریکایی گری بهر قیمت و تقویت اردوگاه بین المللی اش فلسفه وجودی اش را تشکیل میداد و رژیم اسلامی را، مستقل از اینکه چه به روز مردم و آزادی میآورد، زمین

## ستون اخبار کارگری

## و حرکتهای اعتراضی ...

## تاریخ شکست نخوردگان

## چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷ ...

باروری برای مانور و مانیپولاسیون میدید. رژیم اسلام را روی دوش سنت منحنی ضد - مدرنیست، ضد "غرب زدگی"، بیگانه گریز، گذشته پرست و اسلام زده حاکم بر بخش اعظم جامعه هنری و روشنفکری ایران ساختند که محیط اولیه اعتراض جوانان و دانشجویان را شکل میداد. خمینی پیروز شد، نه به این خاطر که مردمانی خرافاتی عکس او را در ماه دیده بودند، بلکه به این خاطر که اپوزیسیون سنتی و این فرهنگ منحنی ملی و عقبگرا، او را، که در واقع وارداتی ترین و دست سازترین شخصیت سیاسی تاریخ معاصر ایران بود، "ساخت ایران"، خودی و ضد غربی تشخیص داد و به تمجیدش برخاست. ضد انقلاب اسلامی محصول این بود که ابتکار عمل در صحنه اعتراضی از دست حرکت مدرنیستی - سوسیالیستی کارگران صنعت نفت و صنایع بزرگ، به دست اپوزیسیون سنتی ایران افتاد. اینها بودند که پرسوناژ خمینی و سناریوی انقلاب اسلامی را از غرب تحویل گرفتند و عملاً به توده مردم معترض فروختند.

علیرغم همه اینها، معرکه گیری اسلامی تنها توانست وقفه ای در روند انقلاب ۵۷ ایجاد کند. رویدادهای دوره بلافاصله پس از قیام بهمن نشان داد که دینامیسم انقلاب هنوز برجاست. نشان داد که مردم، هرچه بر زبانشان انداخته شده بود، بهرحال نه برای اسلام بلکه برای آزادی و رفاه اجتماعی به میدان آمده بودند و هنوز در میدان مانده بودند. بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتاً نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی بسیار خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه گذاری ها و تلاشها توانست برای مولکین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور میسپد و حلقه بعدی آن است. خمینی، بازرگان، سنجابی، مدنی، فروهر، یزدی، بنی صدر، رجایی و بهشتی، نامهایی هستند که باید بدنبال محمدرضا پهلوی، آموزگار، شریف امامی، بختیار، اویسی، از هاری و رحیمی آورده شوند، بعنوان مهره هایی که یکی پس از دیگری جلوی صحنه میآیند تا شاید راه انقلاب و اعتراض مردم را سد کنند. رژیم سلطنت و مهره های رنگارنگش در مقابل ضربات پی در پی جنبش اعتراضی شکست خوردند. حکومت اسلامی، در عوض، قادر شد فرصت بخرد، نیروی ارتجاع را بازسازی کند و انقلاب مردم را به خونین ترین شکل در هم بکوبد. دستور کار هر دو رژیم یک چیز بود.

نیم بیشتر مردم ایران جوان تر از آنند که حتی خاطره گنگی از انقلاب ۵۷ داشته باشند. رابطه اینها با رویدادهای آن دوره بی شباهت به رابطه نسل انقلابیون ۵۷ با وقایع دوران مصدق و ماجرای ۲۸ مرداد نیست. دورانی سپری شده و غیر قابل لمس که ظاهراً فقط در ذهن نسل معاصر خودش زنده و مهم تلقی میشود. روایتها از آن دوران زیاد و مختلفند، اما بیش از آنکه چیزی راجع به حقیقت تاریخی بگویند، راجع به خود راوی و مکانش در دنیای امروز حکم میدهند. انسان همیشه از دریچه امروز به گذشته مینگرد و در آن در جستجوی یافتن تائیدی بر اراده و عمل امروز خویش است. نواندیشان ما نیز در نگاه به انقلاب ۵۷، در پی برافراشتن پرچمی در ایران ۷۵ هستند. اما این پرچم همیشه وجود داشته است. اینکه هر بار چه کسی، با چه تشریفات و با زمزمه چه اوراد و آیاتی، زیر این پرچم حضور به هم میرساند مساله ای ثانوی است. \*

## انتشار اول:

فصلنامه نقطه، شماره ۴ و ۵، زمستان ۷۴ و بهار ۱۳۷۵

این مقاله مجدداً در خرداد ۱۳۷۵، ژوئن ۱۹۹۶، در نشریه انترناسیونال شماره ۲۹ منتشر شد.

به نقل از انترناسیونال هفتگی شماره ۴۰ - ۲۱ بهمن ۱۳۷۹ - ۹ فوریه ۲۰۰۱

اعتراض به حضور او در تحصن آبان ماه اذعان داشتند که این اقدام تحریک دانش آموزان به اغتشاش است. به دنبال آن عباس شیشه گرد مدیر هسته گزینش تهران طی نامه‌ای به سید حمید رضا ابراهیمزاد مدیر آموزش و پرورش منطقه ۱۶ نوشت: «در خصوص آقای محمد دارکش به استحضار می‌رساند با عنایت به بررسی های به عمل آمده، نامبرده واجد شرایط عمومی تشخیص داده نشده است. لذا با اشتغال و استخدام پیمانی ایشان موافقت نمی‌گردد». محمد دارکش دبیر جامعه شناسی دبیرستان معرفت منطقه ۱۶ تهران می‌باشد که از ادامه اشتغال او جلوگیری به عمل آمده است.

## انتقال سهیل عربی و مصطفی نیلی به زندان رجایی شهر

شب گذشته، ۱۲ بهمن ۱۴۰۱ سهیل عربی، زندانی سیاسی سابق و مصطفی نیلی، وکیل که در زندان تهران بزرگ محبوس بودند، به زندانی رجایی شهر منتقل شدند. تاکنون خبری درباره علت انتقال آنها منتشر نشده است.

## صدور حکم تبعید برای لقمان فضلوی

لقمان فضلوی دانشجوی ترم آخر حقوق دانشگاه علمی کاربردی سنندج و معلم ناحیه ۲ شهرستان سنندج، توسط کمیته رسیدگی به تخلفات اداری آموزش و پرورش به اتهام توهین و اهانت به ارکان مقدس نظام، تولید و ارسال نمادهایی با مضمون استبداد در نظام و تشویش اذهان عمومی، به تغییر محل جغرافیایی خدمت به مدت ۲ سال به استان اردبیل، شهر اردبیل، محکوم شد.

\*\*\*

**توماج صالحی**

«بدونید که من از مرگ و حبس و شکنجه نمی‌ترسم، ترس من از اینه که تن فروشی از فقر ببینم و خفه شم، مردم رو تا کمر تو سطل آشغال ببینم و خفه شم، ببینم کار رو می‌زنی خفه شم، معترض رو میکشی بعد داغدارش رو حق خواهش رو شکنجه میکنی و خفه شم... من و شما دریای خونه...»



**زندانی سیاسی آزاد باید گردد!**

**آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست**

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

پروین کابلی

[parvin.kaboli@gmail.com](mailto:parvin.kaboli@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

## جمهوری اسلامی ره بگور می سپاریم روز جشن آزادی نزدیک است



نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

**اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:**

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونیست

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست  
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال  
آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به کارگران و  
دوستانان معرفی کنید. **آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

**زنده باد سوسیالیسم!**